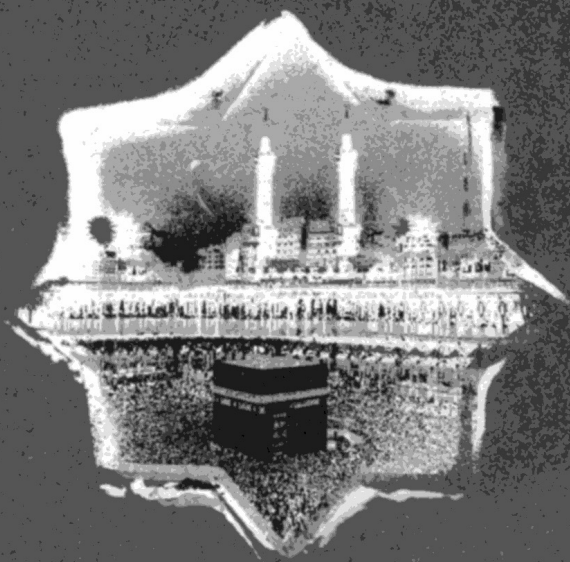
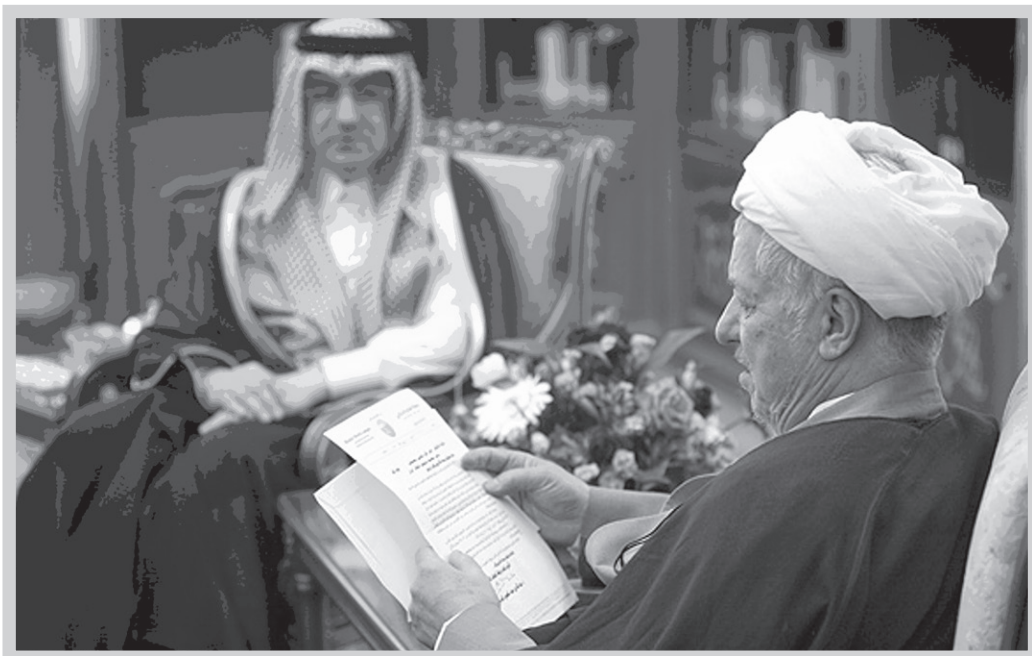


یادداشت‌ها و تحلیل‌ها





دعوت پادشاه عربستان از آقای هاشمی رفسنجانی

<http://iranclubs.irbb.ir>

اسامه احمد السنوسی سفیر عربستان در ایران، که از سوی شخص ملک عبدالله مأموریت یافته تا از هاشمی رفسنجانی برای حضور در این کنفرانس بین‌المللی دعوت به عمل آورد، روز گذشته در دیدار با رییس مجلس خبرگان رهبری، دعوت

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری، به دعوت رسمی ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی، در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی وحدت اسلامی حضور خواهد یافت.

سال شانزدهم، تابستان ۸۷
شماره ۶۴

میقات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی
سیاسی، تاریخی

۵۴



رسمی، همراه با پیام پادشاه عربستان را تقدیم هاشمی رفسنجانی کرد. او تأکید و توجه ویژه ملک عبدالله را برای حضور هاشمی رفسنجانی در این کنفرانس خاطر نشان کرد و گفت: «ملک عبدالله به دلیل جایگاه والایی که در دنیای اسلام برای حضرت عالی قائل هستند و معتقدند باید از اندیشه و دانش شما بهره کافی برد، شخصاً به من مأموریت دادند تا از جناب عالی برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آورم.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در این دیدار با قدردانی از این دعوت، به ویژه تشکر از ملک عبدالله، اهمیت انجام کنفرانس گفت و گوی اسلامی در مکه را، به خصوص در وضعیت کنونی جهان اسلام یاد آور شد و گفت: «انتظار می رود انجام این کنفرانس با حضور شخصیت های علمی و دینی جهان، منشأ ثمرات و نتایج مطلوبی برای ایجاد وفاق و همدلی در جهان اسلام و رفع تنش و تفرقه کشورهای، به ویژه کشورهای اسلامی باشد.»

تنش زدایی در روابط تهران - ریاض

دعوت رسمی پادشاه عربستان از رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی صورت می گیرد که ظرف روزهای اخیر درگیری های لفظی میان ایران و عربستان اوج گرفته است. اظهارات اخیر سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی که در نشست فوق العاده وزیران

خارجة اتحادیه عرب علیه ایران و سوریه بیان شد واکنش محمود احمدی نژاد رییس جمهور ایران را در پی داشت.

سعود الفیصل در سخنانی بسیار تند ایران را به مدیریت جنگ لبنان متهم کرد. او در این نشست که روز یکشنبه در قاهره برگزار شد، تحولات اخیر در بیروت را «جنگی دیوانه وار» خواند و گفت: «این ایران است که این جنگ فراگیر را مدیریت می کند و حزب الله هم عامل این جنگ است!»

سعود الفیصل از وزرای خارجة اتحادیه عرب خواست تا با صدور بیانیه ای، حزب الله و ایران را به علت اشغال بیروت محکوم کنند! بیروت در هفته گذشته شاهد نا آرامی هایی بود که در نهایت منجر به تصرف بخش غربی این شهر توسط نیروهای حزب الله شد.

درگیری های لبنان از آنجا آغاز شد که دولت لبنان اقدام به بستن شبکه مخابراتی حزب الله کرد. درگیری های خیابانی میان هواداران و مخالفان دولت که حزب الله در رأس آنها قرار داشت، دست کم ۱۵ کشته بر جای گذاشت.

اظهارات شدیداللعن وزیر امور خارجه عربستان سعودی با واکنش محمود احمدی نژاد مواجه شد. احمدی نژاد روز سه شنبه در کنفرانس خبری خود با مطبوعات و اصحاب رسانه در پاسخ به پرسش خبرگزاری «المنار» وابسته به حزب الله لبنان ابراز امیدواری کرد که سخنان سعود الفیصل صحیح نبوده و از روی عصبانیت بیان شده باشد: «من امیدوارم این حرف ها

مذهبی، مایه رنج است و وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده است.

هاشمی رفسنجانی آثار کشتار، تخریب‌ها و درگیری‌ها در برخی کشورهای اسلامی، به ویژه عراق و لبنان را در عمیق کردن فاصله‌ها در جهان اسلام با اهمیت عنوان کرد و افزود: «برگزاری کنفرانس گفت‌وگوی اسلامی می‌تواند فضای مطلوب‌تری برای همکاری میان کشورهای اسلامی ایجاد نماید.»

او گفت: «از تقدّسی که در سرزمین وحی وجود دارد می‌توان برای حل مشکلات در جهان اسلام و کل جهان سود برد و جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در کنار کشور عربستان، در حل اختلافات دنیای اسلام مؤثر باشد و در این راه تلاش خواهد کرد.»

اسامه احمد السنوسی نیز که در این دیدار هدف از برگزاری کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی در عربستان را بررسی راه‌های افزایش همکاری میان جهان اسلام و ارتباط آن‌ها با دیگر کشورها ذکر کرد و گفت: «امیدواریم با برگزاری این اجلاس بتوانیم به وحدت جهان اسلام کمک کنیم.»

درست نباشد و از روی عصبانیت مطرح شده باشد، بنابراین ما هم حوصله می‌کنیم تا عصبانیت ایشان بخوابد، سپس صحبت خواهیم کرد.»

احمدی نژاد گفت: «به احترام ملک عبدالله، پاسخ سعود الفیصل را نخواهد داد.» او سعود الفیصل را دارای دیدگاه‌هایی خاص دانست و گفت: نمی‌داند دیدگاه‌های او با ملک عبدالله چقدر هماهنگ است.

احمدی نژاد در این مصاحبه مطبوعاتی گفت: «ایران تنها کشوری است که در لبنان دخالت نمی‌کند.» از سوی دیگر سعود الفیصل نیز درست در همان روز به ایران هشدار داد که حمایت از اقدامات حزب الله در لبنان، بر روابط ایران با جهان عرب تأثیر می‌گذارد.

تلاش برای حل اختلافات جهان

اسلام

هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار سفیر عربستان و پس از دریافت پیام دعوت از سوی احمد السنوسی، تفرقه در دنیای اسلام را در جهت منافع دشمنان ارزیابی کرد و گفت: اختلافات در دنیای اسلام؛ چه در سطح سیاسیون و چه در سطح علمای

هاشمی میهمان ویژه «کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی اسلامی»

تاریخ: ۲۴ خرداد ۱۳۸۷ - www.fardanews.com

خیر سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان، خبری بود که بسیاری، از اهداف آن، با توجه به دوستی هاشمی با ملک عبدالله آگاه شدند؛ ملک عبدالله از آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان رهبری، به عنوان یکی از علمای شیعه برای شرکت در اجلاس هم‌اندیشی وحدت اسلام دعوت کرد.

به عقیده تحلیل‌گران، دعوت شخصی پادشاه عربستان از رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به تنش‌های اخیر میان دو کشور و اوضاع منطقه، اهمیت بسیار دارد.

علاوه بر پیام سیاسی این دعوت، یک پیام مذهبی در دعوت از عالم شیعی ایرانی عالی‌رتبه و از مقامات ایرانی نهفته بود و آن وحدت میان مسلمانان بود.

با این‌که تعداد علمای شیعی اجلاس از علمای سنی کمتر بود و به جای خود یک انتقاد به جاست، اما احترام ویژه ملک عبدالله به هاشمی، ورود شانه به شانه این دو شخصیت به مراسم افتتاحیه و تحلیل‌های دو روزنامه مهم سعودی؛ یعنی عکاظ و الرياض نشان می‌دهد که آل سعود به دنبال احیای روابط با ایران است.

علاقه‌ای که در نشست‌های متعدد هاشمی با ملک عبدالله، سخنرانی ویژه وی در اجلاس گفت‌وگوی مذاهب اسلامی، باز شدن در بقیع بر روی زائران ایرانی که در شب شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)، وعده احیای بقیع و وعده برخورد مناسب با زائران ایرانی بروز یافت. انتظار می‌رود که با سفر هاشمی رفسنجانی، اوضاع منطقه و روابط دو کشور مؤثر در جهان اسلام رو به بهبود گذارد.

هاشمی در جلسات مختلف با سران سعودی، به تبیین مواضع ایران در قبال مسائلی چون لبنان، فلسطین، عراق و ... پرداخته است.

اهمیت حضور ایران و آقای هاشمی رفسنجانی که نه تنها جایگاه سیاسی بلکه وجهه شخصیتی‌اش مورد توجه قرار می‌گرفت به حدی بود که موضوعات چهارده‌گانه‌ای که از سوی وی در کنفرانس مطرح شد، به عنوان منشوری برای کنفرانس آینده مد نظر قرار گرفت و حتی از هاشمی رفسنجانی درخواست شد تا نماینده‌ای را به عنوان نماینده خودش برای حضور در هیأتی که جهت ادامه گفت‌وگو تشکیل می‌گردد معرفی کند و از نظریات او نیز در پیشبرد گفت‌وگو با دیگر مذاهب استفاده شود.



سفر آقای هاشمی به عربستان؛ سرمايه گذاري جديد براي روابط رياض - تهران

خبرگزاری مهر / دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۷

از برخورد تمدن‌ها؛ مسائل خانواده و اخلاق در مشترکات انسانی، گفتگو میان پیروان ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به جای برخورد تمدن‌ها با هدف ایجاد روابط مسالمت آمیز مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران و مقامات عالی کشورهای اسلامی قرار گرفت.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران و عربستان در چارچوب دکترین نیکسون دو متحد نظامی - مالی آمریکا در منطقه محسوب می شدند و «رفاقتی آمیخته با رقابت ملایم» با یکدیگر داشتند (به خصوص در

دعوت پادشاه عربستان سعودی از آیت الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای شرکت در کنفرانس «گفتگوی اسلام» و سفر طولانی و ده روزه رییس مجلس خبرگان به عربستان، قطعاً در قامت یک اتفاق مهم و ویژه در تاریخ روابط دیرینه ایران و عربستان سعودی است.

در این کنفرانس شیوه گفتگو، ضوابط و شرایط آن، آداب و چگونگی گفتگو، آینده گفتگو در سایه اهانت‌های مکرر به اسلام، امور انسان و اصلاح وضعیت جوامع بشری، پیشگیری

مورد موضوع نفت) اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به قطب مخالف سیاست‌های آمریکا در منطقه درآمد و بلافاصله یک دوره بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی و سپس تنش در روابط ایران و عربستان روی داد که قریب به یک دهه دوام آورد که شدیدترین مصداق آن حادثه خونین مکه (۱۳۶۶ شمسی) بود.

اما مشترکات و منافع مشترک ایران و عربستان آنقدر زیاد و گسترده بود که در سال‌های میانی دهه هفتاد شمسی و در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، جرقه دوستی ایران و عربستان زده شد و مجدداً روابط ایران و عربستان به گرمی گرایید.

بعد از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، رابطه ایران و عربستان بار دیگر دچار بی‌ثباتی و خلأ هویتی شد و موضوع لبنان و بحران انتخاب رییس جمهور در این کشور، تبدیل به یکی از کانون‌های اختلاف ایران و عربستان شد.

به نظر می‌رسد ملک عبدالله با دعوت اخیر از هاشمی رفسنجانی به نوعی قصد «بازسازی» و بازگشت روابط ایران و عربستان به روزهای طلایی را دارد که این دعوت هم با پاسخ گرم و معنادار طرف ایرانی مواجه شد.

به نظر می‌رسد از پایان دهه ۱۹۸۰ اصلی ثابت و استراتژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با عنوان «حفظ و ارتقای روابط با عربستان» شکل گرفته باشد که طرف عربستانی با تکیه بر این اصل مهم و با وارد کردن شخصیت برجسته‌ای چون هاشمی رفسنجانی تلاش دارد در جهت حل اختلافات و رفع سوء

تفاهات بین دو کشور پیش دستی کرده باشد. اما عمده‌ترین چالش‌های ایران و عربستان را می‌توان در موارد زیر فهرست کرد:

- رقابت ایدئولوژیک دو کشور با هم و نمایندگی دو طیف اصلی شیعیان و اهل سنت از سوی ایران و عربستان و تقابل گفتمان وهابی و شیعی در شهرهای مقدس مکه و مدینه.

- تفاوت در رویکرد کلان به حضور نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس و در رأس آن‌ها حضور نظامی - سیاسی ایالات متحده آمریکا.

- تفاوت دیدگاه ماهیتی - شکلی دو کشور در برخی امور؛ همچون اوضاع عراق، لبنان و فلسطین.

اما بروز گفتمان افراطی تروریستی در بخشی از جهان اسلام که با گفتمان سلفی و مصادیقی چون «گروه القاعده» شناخته می‌شود و حوادث تلخ عراق و بروز جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی در این کشور، طرفیت عظیمی را برای همکاری مشترک عربستان و ایران ایجاد کرده است که می‌توان گفت: مواضع خاص، معتدل و واقع‌بینانه هاشمی رفسنجانی در مورد وحدت جهان اسلام، مؤلفه دیگری است که باعث شده است عربستانی‌ها سرمایه‌گذاری جدیدی را در مورد روابط با ایران آغاز کنند. شرط مهم برای به ثمر رسیدن این دور جدید سرمایه‌گذاری‌ها در روابط ایران و عربستان، کنترل جریان‌های سیاسی برهم زنده در هر دو سو و تعهد عملی و صادقانه به توافقات این سفر مهم است.

به بهانهٔ دومین ورود آیت الله هاشمی رفسنجانی بر روابط روبه وخامت تهران - ریاض

(www.tiknews.info)

در اواخر سال ۱۳۷۸ آیت الله هاشمی رفسنجانی همراه تعدادی از همکارانش در دولت سازندگی، سفری به سرزمین وحی برای زیارت حرمین شریفین و انجام عمرهٔ مفرده داشت. پس از این سفر بود که دست اندرکاران فصلنامهٔ «میقات حج» (که از منشورات حوزهٔ نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت است)، مصاحبه‌ای با ایشان ترتیب دادند که مفصل و طولانی است و بیش از ۲۰ صفحه از صفحات این مجله را پر کرده و گفتگویی است پرنکته، تأمل برانگیز و خواندنی.

بخشی از این مصاحبه در بارهٔ چگونگی ارتباط با عربستان سعودی و بهره‌وری از این ارتباط و بایسته‌ها و لوازم آن است، که مرور و نگاه دوباره به آن، در آستانهٔ سفر ایشان به این کشور، خالی از لطف نیست:

ع - وارسته

*جناب آقای هاشمی! در سال‌های اخیر شاهد بودیم که روابط ایران و عربستان تحول چشمگیری پیدا کرده و رو به بهبودی است و حضرت عالی نقش عمده‌ای در این



میقات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی
سیاسی، تاریخی

۶۰

امر داشته‌اید. لطف کنید در زمینه روند شکل‌گیری این تحوّل و لزوم آن توضیحاتی بفرمایید!

آقای هاشمی: من از وقتی که مسؤول اجرایی شدم، تصمیم داشتم با عربستان از در دوستی وارد شوم و برایم روشن بود که ما در مسائل مربوط به نفت، جنگ، تحولات سیاسی منطقه و کارهای مذهبی - آموزشی که در دنیا داریم، اگر با عربستان رابطه خوبی داشته باشیم و میان ما اعتماد حاکم باشد، کارها روانتر پیش می‌رود و درگیری‌ها و خنثی شدن نیروها کمتر است.

من کار را از کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سنگال شروع کردم. آقای «امیر عبدالله» در آنجا حضور داشتند و قرار شد ملاقاتی میان ما اتفاق بیفتد. در ابتدا بنا شد که ایشان به قسمتی از تالار کنفرانس که بنده در آنجا بودم، بیاید. بعد معلوم شد که ایشان توقع دارد که من به نزد او بروم! تنها به این دلیل که احساس کردم این کوتاه آمدن، به تحسین روابط کمک خواهد کرد، به نزد «امیر عبدالله» رفتم. در همانجا از آقای فهد دعوت به عمل آوردم ولی پاسخ شنیدم که ایشان از ناحیه پا و زانو مشکل دارند و راه رفتن برایشان مشکل است.

در مجموع در تمام دوران مسؤولیتیم در صدد حلّ مسائل ایران و عربستان بودم. در ظاهر موانعی همچون «مراسم براثت»، و در خفا کارشکنی‌های آمریکا و دیگران وجود داشت؛ ولی پیغام‌ها و رفت و آمدها در جریان بود و رفته رفته اصطکاک موجود، برطرف و رابطه تلطیف می‌شد. اوج این توفیق در «اسلام‌آباد» پاکستان و در آخرین اجلاس سران کنفرانس اسلامی رخ داد. من و «امیر عبدالله» از قبل توافق کرده بودیم که ملاقاتی با هم داشته باشیم. منتهی با توجه به ملاقات قبل که در سنگال اتفاق افتاد و بنده به نزد ایشان رفتم، انتظار می‌رفت که این بار ایشان نزد من بیایند. اما خبر رسید که آقای «امیر عبدالله» منتظر شما هستند! گفتم: ما منتظریم ایشان بیایند!

با این حال از جایم بلند شدم و تا نزدیک اتاق ایشان رفتم که به ناگاه ایشان از اتاق خارج شد و گفت: من می‌خواهم به اتاق شما بیایم! گفتم: فرقی نمی‌کند. حالا من آمده‌ام! اینجا هم اتاق ماست. ایشان قبول نکرد. گویا قاصدهایی که پیام‌های من و ایشان را به اتاق‌هایمان می‌بردند، خطا کرده بودند و قرار بدوی ما را که ولیعهد عربستان به اتاق من بیاید، به هم زدند. شاید هم علت دیگری داشته است. به هر حال کار به این نقطه که رسید، ایشان به اتاق من آمد و در آنجا به صراحت تمام راجع

به مسائل حرف زدیم. یکی از عمده ترین صحبت هایی که شد، این بود که کنفرانس بعدی سران کشورهای اسلامی در تهران برگزار شود. عجیب این که روز قبل از آن ماجرا، بیانیه و مصوبه ای در جدّه منتشر شده بود که محل دیگری را برای کنفرانس در نظر گرفته بود. من در دیدار با امیر عبدالله این مسأله را مطرح کردم و توضیح خواستم. وزیر خارجه شان هم بودند و همان جا مسأله را حل کردیم.

این نخستین ثمره آن دیدار بود. بعد از آن، هنگام نهار فرارسید. در آن روز ما میهمان نخست وزیر وقت پاکستان آقای نواز شریف بودیم. ولیعهد عربستان در این حال و در کمال تعجب، سوار اتومبیل من شد و خارج شدیم. عده زیادی شاهد این اتفاق نادر بودند.

می دانید که شخصیت ها برای خودشان محافظ و تشکیلات و پیشرو و اسکورت دارند. این که ایشان همه این مسائل را رها کند و در ماشین من سوار شود، خلاف عرف رایج بود و این ثمره آن نشست دوستانه و صریح بود که از نظر ناظران آن صحنه هم دور نماند.

از آن به بعد مشاهده کردم که خیلی از مسائل فیما بین حل شده است. ولیعهد عربستان پس از آن تصمیم گرفت از کنفرانس تهران حمایت کند و خودش هم به تهران آمد و برای ما مجالی شد که بیشتر با یکدیگر صحبت کنیم. مسافرت من به عربستان و سفر آقای خاتمی هم به میزان زیادی به تکمیل این روند کمک کرد.

* به نظر حضرت عالی، گسترش روابط ایران و عربستان، در سطح بین المللی، به خصوص در رابطه با بهره گیری هر چه بیشتر از حج، چه تأثیراتی از خود به جا خواهد گذاشت؟

آقای هاشمی: ارزیابی من این است که بهبودی این روابط یک ضرورت است. در دنیای اسلام، همکاری ایران و عربستان، مهمترین پایگاه تقویت مواضع دنیای اسلام از لحاظ سیاسی، اقتصادی و دیگر ابعاد است. واقعیت این است که دوستان ما و حامیان عربستان با هم اختلاف دید دارند و کم شدن فاصله میان ما و عربستان، در مجامع و کنفرانس های بین المللی، آثار مثبتی را به همراه خواهد داشت. یکی از مهمترین این آثار در مورد قضیه نفت است. شاهد بودیم که طمع مصرف کنندگان نفت و نحوه عرضه و تقاضای آن، باعث شد که قیمت آن در بازارهای جهانی از ده دلار هم تنزل کند که ظلم بزرگی به کشورهای نفت خیز و عمدتاً کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بود که در واقع هستی آنان به این ماده حیاتی وابسته است. اصلاح روابط موجود میان تهران و ریاض، بسیاری از مشکلات را حل کرد و به کاهش تنش موجود در خلیج فارس دامن زد.

مسأله عراق برای ما بسیار مهم است. اگر ما همکاری کنیم، این کانون تشنج در منطقه، آرام خواهد شد.

مهمترین مسأله ای که هنوز در سطح جدی بدان نپرداخته ایم، مسأله فلسطین است که کمی اختلاف نظر در این مورد وجود دارد. در مسأله افغانستان اگر همکاری های ما جدی بود، وضع موجود را شاهد نبودیم. من فکر می کنم که در بسیاری از مسائل دنیای اسلام، همکاری ما سازنده است و امیدواریم به تدریج با بحث و اقناع یکدیگر به توفیقاتی دست یابیم. من با ولیعهد عربستان در مورد تمام این موضوعات، در نشست های خصوصی و دوستانه ای که با هم داشتیم، صحبت کردم و به تدریج وضع بهتر می شود.

* متأسفانه در سال های گذشته میان ایران و عربستان در سطح محافل علمی، دینی و مذهبی، ارتباطی وجود نداشته و از این رهگذر خسارات زیادی متوجه ما شده است. بفرمایید نظر شما در این باره چیست؟ چه میزان برای تحقق این ارتباط، اهمیت قائلید و چه پیشنهادی دارید؟

آقای هاشمی: همینطور است. در حال حاضر آن مقدار که ما در سطح ارتباط میان رجال دولتی و سیاسی، به عربستان نزدیک شده ایم، از لحاظ علمی - چه نیروهای علمی دانشگاه و چه علمای دینی - نزدیکی خاصی رخ نداده است. به نظر من باید برنامه ای تنظیم شود که علما با یکدیگر ملاقات کنند و دور از تعصبات به گفتگو بپردازند و دیدگاههایشان را به هم نزدیک کنند. علمای ایران و عربستان در کشورهای خودشان منشأ اثر بوده اند و لزوم تقارن و تقارب میان این دو گروه از علما احساس می شود. پشتوانه روابط سیاسی و اقتصادی که میان ما و عربستان وجود دارد، همکاری های دینی است و حج برای تحقق این امر، موقعیت مناسبی است. علمایی که از ایران همه ساله به حج می روند، باید به گونه ای برنامه ریزی کنند که با علمای عرب، رابطه برقرار شود و از آنها برای سفر به ایران و دیدار از شهرهایی همچون قم و مشهد و بازدید از حوزه ها و دانشگاه های ما دعوت به عمل آورند. من هنوز اثر دیدارهایی را که از دانشگاهها و مراکز علمی عربستان داشته ام، در وجودم احساس می کنم و حتی گاه تشدید و تقویت می شود...

اظهارات توهین آمیز فطیب نماز جمعه مسجدالنبی در مضور آقای هاشمی

* جناب آقای هاشمی! به هنگام حضور حضرت عالی در مدینه منوره و شرکتتان در نماز جمعه، خطیب جمعه، مطالب نابجا و اهانت هایی را در صحبت هایش داشت که با عکس العمل

حضرت عالی روبرو شد. اگر صلاح می دانید، مایلیم که برای ثبت در تاریخ اصل ماجرا را از زبان شما بشنویم.

آقای هاشمی: بله. آن ماجرا تلخ و دارای عاقبت شیرینی بود. ما آن روز با خستگی زیاد ناشی از سفر، خودمان را به نماز جمعه رساندیم و انگیزه ای جز کمک به وحدت و نزدیکی نداشتیم. طبق معمول برای استماع خطبه ها نشستیم؛ ولی خطیب جمعه در خلال صحبت هایش حرف های نادرستی زد. در کنار من یکی از وزرای کابینه عربستان نشسته بود. من به ایشان که معمولاً با من همراهی می کرد، گفتم:

با توجه به حرف های این آقا، ما دیگر نمی توانیم پشت سر ایشان نماز بخوانیم. وزیر مربوطه هم جواب داد: من هم توجیهی برای این کار نمی بینم.

من شک داشتم که آیا خطیب مزبور، اصلاً متوجه ورود من شد، یا نه؟ چون مسجد مملو از جمعیت بود و جایی را برای ما از قبل خالی نگاه داشته بودند. برخاستیم و به اتاقی که متعلق به حرم بود و برای استراحت مادر نظر گرفته بودند، رفتیم و نماز خودمان را در جمع ایرانیان و عرب هایی که همراه ما به اتاق آمدند، خواندیم. من دیگر کلمه ای در این باب به زبان نیاوردم. بعد یکی از آقایان اهل علم که در شمار متولیان حرم بود، نزد من آمد و گفت:

ایشان عادتش این است و بدون در نظر گرفتن سیاست دولت به نحو خودسرانه ای حرف می زند. شما به دل نگیرید و مطمئن باشید این کار را بی جواب نخواهیم گذاشت و احساس می کنیم به ما هم اهانت شده است. در سنت ما اهانت به میهمان، جرم بدی محسوب می شود.

به هتل که رفتیم، آقای «امیر عبدالله» تلفنی با من تماس گرفت و به نحو مؤکدی اظهار تأسف کرد و سخنان خطیب جمعه را یک خودسری آشکار و اهانت به مقامات سعودی خواند. من سعی کردم عصبانیت ولیعهد عربستان را کاهش دهم. گفتم:

ما حالت های علما و روحانیت را بیشتر از شما می شناسیم و می دانیم که در میان آنان از این اتفاقات می افتد! ایشان دوباره تأکید کرد که شما بعداً شاهد خواهید بود که ما تحمل نخواهیم کرد که میهمانان مورد اهانت قرار گیرد و خلاف سیاستمان عمل شود. واقعاً هم به این قولشان وفا کردند؛ با آنکه ما از آنها نخواسته بودیم که این قضیه را دنبال کنند.



دوستی‌هایی که باید بماند

(www.hamshahrionline.ir)

یادداشت‌ها و تحلیل‌ها

میقات

فصلنامه فرهنگی-اجتماعی
سیاسی، تاریخی

۶۵

علیه شیعیان در شهرهای مکه و مدینه را داد و دیشب نیز در جوار حرم نبوی صلی الله علیه و آله خبر داد که «بقیع به زودی احیا خواهد شد.» وی این خبر را در قبرستان بقیع، در دقایق پایانی یکشنبه شب، پس از آن که به دستور مستقیم ملک عبدالله شاه عربستان برای اولین بار زائران زن حاضر در حرم

هاشمی رفسنجانی که در سفری ۱۰ روزه در عربستان سعودی به سر می‌برد، طولانی‌ترین سفر مقامی ایرانی را در این کشور تجربه می‌کند، فرصتی که او هر روز خبری دربارهٔ بهبود روابط اعلام می‌کند؛ روز گذشته خبر از دستور پادشاه عربستان برای مقابله با رفتارهای افراطیون

مطهر رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توفیق حضور در کنار ائمه بقیع عَلَيْهِمُ السَّلَام را یافتند، داد.

رییس مجلس خبرگان رهبری ضمن تشکر از مساعدت مسؤلان سعودی با زوآر ایرانی گفت: «آقای ملک عبدالله پادشاه عربستان، طی امروز دو بار با وزیر عربستانی همراه من صحبت کرد و از او خواست که رضایت شیعیان مدینه جلب شود.»

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، هر چند مهمان ویژه پادشاه عربستان است و امروز به عنوان اولین ایرانی به منطقه فدک رفته و از این مکان مقدس که جایگاه ویژه‌ای نزد شیعیان دارد، دیدن می‌کند اما همین کافی است، در شرایطی که افراط‌گرایان عربستان هر روز بر آتش مخاصمه با شیعیان می‌افزایند سران دو کشور همراهی، دوستی و مفاهمه را پیشه کرده‌اند.

امیرعبدالله که در دوره ولیعهدی‌اش آذر ۱۳۷۶ برای شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به تهران آمد، به دعوت اکبرهاشمی رفسنجانی در زمانی که او دوران ریاست جمهوری‌اش را به پایان برده بود، به ایران سفر کرده بود، سفری که نقطه اوج روند رو به بهبود مناسبات سیاسی دو کشور در دهه ۱۳۷۰ بود. پس از این سفر رفت و آمد بلندپایگان دو کشور به پایتخت‌های یکدیگر فزونی یافت.

سوء تفاهم و عدم شناخت صحیح، اصلی‌ترین ویژگی مناسبات میان عربستان و ایران بوده است؛ موضوعی که شکنندگی روابط این دو کشور

راهبردی منطقه را طی سه دهه گذشته به دنبال داشته است. از همین جهات است که همزمان با سفر رییس مجلس خبرگان رهبری به عربستان سعودی، ضرورت گفت‌وگوی کشورهای عرب با ایران احساس شده است.

با نگاهی به پیشینه روابط ایران و عربستان، شاهد روزهای پرفرازونشیبی هستیم. عربستان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران سیاست احتیاط، سکوت و نظارت را در پیش گرفت ولی پس از مدتی، هیأتی بلندپایه به سرپرستی دبیر کل «رابطة العالم الاسلامی» را برای تبریك پیروزی انقلاب اسلامی به ایران فرستاد. ملک خالد در اوّلین واکنش خود، برپایی حکومت اسلامی در ایران را مقدمه نزدیکی و تفاهم هرچه بیشتر دو کشور خواند. فهد ولیعهد وقت عربستان نیز گفت: «برای رهبری انقلاب ایران احترام زیادی قائل هستیم.»

اما با شروع جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، عربستان با کمک‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی خود، در کنار عراق قرار گرفت. مجموع این اقدامات باعث سردی و تیرگی روابط شد و مناسبات ایران و عربستان سعودی تا سطح کاردار تنزل یافت.

یک هواپیما ربایی روابط ایران و عربستان را در اوج جنگ تحمیلی عراق وارد شرایط بهتری کرد و مناسبات ایران و عربستان بهبود یافت. در سال ۱۳۶۳ حادثه ربوده شدن یک فروند هواپیمای سعودی و فرود آن در فرودگاه مهرآباد و اقدامات مثبت جمهوری اسلامی ایران

در پایان دادن به این حادثه، باعث شد روابط دو کشور تا حدودی رو به بهبود نهد.

در ۱۳۶۴ سفر وزیر خارجه عربستان به جمهوری اسلامی و سفر وزیر خارجه وقت ایران به عربستان انجام شد که این سفرها با هدف بهبود روابط و حل پاره‌ای از مشکلات فیما بین، چون حج و جنگ ایران و عراق صورت گرفت، اما نتیجه‌ای در پی نداشت. اما باز در سال ۱۳۶۵ عربستان برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران و با افزایش صدور نفت، قیمت را کاهش داد که به تیرگی مجدد در روابط دو کشور انجامید.

سردی حاکم بر روابط دو کشور و تشدید آن توسط آمریکا با هدایت جریانات منطقه‌ای بر ضد ایران، همچنین شهادت ۴۰۰ تن از حجاج ایرانی در مراسم حج ۱۳۶۶ که اعتراض شدید جمهوری اسلامی را به دنبال داشت، تیرگی روابط دو کشور را به اوج خود رسانید. ششم اردیبهشت ۱۳۶۷ عربستان اقدام به قطع یکجانبه مناسبات سیاسی با جمهوری اسلامی ایران کرد و این قطع رابطه حدود سه سال به طول انجامید؛ سه سالی که هیچ زائر ایرانی به حج مشرف نشد؛ اما عربستان سعودی که از قطع روابط با ایران منفعتی نبرده بود با بهانه‌ای به دنبال تجدید رابطه بود. موضوع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران گام مؤثری در تجدید رابطه با عربستان بود. عربستان قبول قطعنامه از سوی ایران را یک اقدام شجاعانه توصیف و از آن استقبال کرد. در این شرایط، جبهه‌گیری مطبوعاتی عربستان علیه جمهوری

اسلامی متوقف شد و فهد شخصاً اعلام کرد که با ایران اختلافی ندارد که قابل حل نباشد. تهران نیز آمادگی خود را برای آغاز مذاکرات مستقیم با ریاض اعلام کرد.

تجاوز عراق به کویت در ۱۳۶۹ و مواضع ایران در این حادثه و هم‌نیاز شورای همکاری خلیج فارس به حمایت ایران، باعث شد تا کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه عربستان برای تجدید رابطه با جمهوری اسلامی ایران تلاش کنند.

اولین دیدار مقامات ایران و عربستان بین وزرای خارجه دو کشور در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد - شهریور ۱۳۶۹ - و دیدار بعدی در ژنو انجام گرفت. در ۱۵ اسفند ۱۳۶۹ نیز وزرای خارجه دو کشور در مسقط با هم ملاقات کردند. به دنبال این دیدار در ۲۷ اسفند ۱۳۶۹ بیانیه مشترکی در زمینه برقراری مجدد روابط سیاسی دو کشور همزمان در تهران و ریاض منتشر شد.

سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان پس از دیدار با علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت در مصاحبه‌ای اعلام کرد، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در حل تمام مشکلات فیما بین به تفاهم رسیدند. سرانجام پس از سه سال قطع رابطه سیاسی، در پی مذاکرات وزرای خارجه دو کشور، تجدید روابط متقابل اعلام شد و مقامات تهران و ریاض در فروردین ۱۳۷۰ سفارتخانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر گشودند.

عربستان سعودی نشان داده است «تأثیر پذیری از بیرون» ویژگی ای است که سعی کرده است در سال‌های اخیر از آن فاصله بگیرد و براساس منافع ملی و منطقه‌ای مناسباتش را با جمهوری اسلامی ایران بر مدار منفعت دو سویه تنظیم کند.

بومی‌گرایی و منطقه‌گرایی که طی بیش از دو دهه اخیر شعار آرمانی جمهوری اسلامی ایران برای فائق آمدن بر مشکلات منطقه به شمار می‌رود، به تدریج نزد دولتمردان عربستان سعودی نیز معنا و مفهوم حقیقی خود را یافته است.

رفتار فعلی سران عربستان سعودی نشان می‌دهد تغییراتی در راستای منافع جهان اسلام در حال وقوع است، چرا که به اعتقاد نویسنده سرمقاله دیروز روزنامه «الریاض» عربستان؛ «در جهانی که کشورها برای تشکیل ائتلاف و پیمان‌های مشترک تلاش می‌کنند، عقل حکم می‌کند که اعراب برای حفظ منافع اساسی خود درباره گفت‌وگو و دستیابی به توافق با ایرانی‌ها تلاش کنند، به خصوص که اعراب و ایرانی‌ها از امکانات بسیار در زمینه‌های انرژی، نیروی انسانی، گردشگری، موقعیت جغرافیایی، صنعت، کشاورزی و عرصه‌های دیگر برخوردارند.»

الریاض نوشت: «اگر اعراب و ایرانی‌ها به اختلافات خود ادامه دهند، در واقع با فطرت الهی خویش جنگیده‌اند؛ زیرا فطرت بشر بر استفاده از امکانات و خلاقیت‌های انسان و کنار گذاشتن حوادث تلخ گذشته حکم می‌کند.»

این روزنامه افزود: «انسان‌ها به‌طور طبیعی با یکدیگر در برخی زمینه‌ها؛ از جمله عقاید و افکار، متفاوت هستند اما مسأله این است که این تفاوت به اختلاف و منازعه نباید تبدیل شود.»
الریاض نوشت: «اکنون مسأله مسلمانان؛ اعم از عرب، ترک و ایرانی، باید این باشد که چگونه از امکانات خود برای بهبود و پیشرفت اوضاع مسلمانان استفاده کنیم نه این که بر سر این بحث کنیم که حق با کیست.»

اوج عظمت و اقتدار تشیع

محمد رضا نوری شاهرودی

برای اولین بار در تاریخ شیعه، در یک نشست بین المللی و جهانی یکی از یاران صدیق و شاگردان نستوه امام خمینی علیه السلام و هم سنگر و یار غار مقام رهبری به تبیین مسائل مهم اسلامی و مواضع به حق ایران عزیز برای بیش از ۸۰۰ نفر از علما، اندیشمندان و فرهیختگان، که از سراسر دنیا در محیط وحی الهی در کنار مکه مکرمه جمع شده بودند، می پردازد و باز برای اولین بار سه کانال تلویزیون عربستان به صورت زنده به اضافه، ده ها کانال عربی و انگلیسی، سخنان ریاست مجلس خبرگان رهبری را پخش کردند. ده ها روزنامه که در مجموع بیش از یک میلیون تیراژ داشتند، عکس و سخنرانی ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را منتشر نمودند. عمده سایت های خبری و اینترنتی اذعان نمودند که کنفرانس گفتگوی ادیان با وجود آیت الله هاشمی رفسنجانی و سخنرانی جامع و مستدل وی، شکل واقعی به خود گرفته است.

حقیقت آن است که عربستان سعودی از وجود عده ای از افراطیون وهابی، که باعث تشنج و ایجاد کینه و نفاق در آن کشور شده اند رنج می برد و نسبت به فتاوی تفرقه افکن، موضع منفی دارد. دولت مردان سعودی به خصوص شخص ملک عبدالله که این افراطیون را قبول ندارند و عموماً از آن ها بیزاری می جویند، با تدارک کنفرانس گفتگوی ادیان به دنبال اعتدال در روش و منش علمای دین هستند که به جای تندروی های جاهلانه، از تسامح و ظرفیت بالای اسلام سخن بگویند. ملک عبدالله با دعوت از آیت الله هاشمی رفسنجانی و استقبال با شکوه و ماندنی از وی و قرار دادن ایشان در جایگاه ریاست، می خواهد به تندروی های سلفی بفهماند که باید در مسأله وحدت

جهان اسلام - جایگاه شیعه فراموش نشود و آنان واقعیتی هستند که باید حضورشان در معادلات پذیرفته شود. بر این اساس، باید از رویکرد جدید عربستان استقبال شود و از وجود گوهر بار این بازوی توانمند نظام اسلامی ایران برای پیشبرد روابط با دولت مردان سعودی استفاده گردد. با اذعان و اعتراف عمده شرکت کنندگان در کنفرانس، سخنان ایران توانست در مدت کوتاه، جامع ترین مسائل مورد ابتلای کشورهای اسلامی را بازگو کند. محورهای چهارده گانه سخنان ایشان حاکی از واقع بینی، ژرف نگری، اعتدال و نگاه به آینده مسلمانان و کشورهای اسلامی است. کنفرانس گفتگو باید این سخنان را به عنوان منشور ملل اسلامی و به مثابه فکری جدید بررسی و تحلیل نموده و در برخورد با مشکلات جهان اسلام، به عنوان راه گشا از آن استفاده نماید.

خوشبختانه دبیرخانه کنفرانس، سخنرانی آیت الله هاشمی را به ۶ زبان مهم دنیا ترجمه و در اختیار اعضا قرار داد. آقای هاشمی با اشاره به این که چهارده قرن پیش پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله پس از نزول، دستور علنی کردن دعوت به اسلام بر قلّه کوه مقدس صفا، با جمله هشدار دهنده «یا صباحا!» مکیان را دعوت به شنیدن یک خبر مهم کردند و پس از جمع شدن مردم و عمدتاً افراد قبیله قریش با گرفتن اقرار به امین و صادق بودن خودشان از حضار، دعوت آسمانی خود را علنی کردند و هنوز طنین آن دعوت مبارک در سراسر جهان شنیده می شود و اسلام همچنان بالنده و روبه پیش است، اعلام کردند:

- ۱- این کنگره عظیم را در جوار بیت الله الحرام و در جوار صفا و مروه، نقطه آغاز دعوت علنی رسول گرامی، با فرمان آسمانی «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...» و نیز «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» می دانم.
- ۲- ابراز امیدواری به تأثیر این اجتماع در بهبود وضعیت امت اسلام؛ کاری که جمهوری اسلامی ایران از سال ها پیش هر ساله انجام می دهد و بیست و یکمین اجلاس آن چند هفته پیش در تهران برگزار شد. و کاری که نیم قرن پیش آیت الله بروجردی و علامه شیخ شلتوت در «دارالتقريب» با هدف رفع اختلاف و ایجاد وحدت جهان اسلام آغاز کردند.
- ۳- برای مذاکره با ادیان و مکاتب دیگر، قبلاً باید جهان اسلام با اصلاح امور خود آماده وارد شدن یکپارچه به این میدان شود.
- ۴- در سایه اسلام و قرآن، جهان اسلام امروز مجموعه امکانات وسیع و بی نظیری را در اختیار دارد.

یک چهارم جمعیت جهان، ۲۰٪ تولید جهان و ۵۷ رای در مراکز تصمیم گیری بین المللی و حضور در حساس ترین نقاط ژئوپولیتیک کره زمین و تملک منابع طبیعی ارزشمند؛ از جمله اکثر منابع انرژی کره خاکی و بالاتر از همه، بر خورداری از ارزشمندترین مکتب های تاریخ بشری؛ زیرا اسلام و قرآن کریم تنها سند آسمانی دست نخورده تاریخ بشر است.

۵- متأسفانه بر اثر عدم هماهنگی و وجود اختلافات بی اساس و عدم برنامه جامع برای کلیت امت اسلامی، جهان اسلام دچار وضعی نامساعد و مورد تجاوز دنیاخواران انحصار طلب و صهیونیسم غاصب و اشغالگر و غارت ثروت های معنوی و مادی و یا معطل بودن آن ها است.

۶- انتظار می رود چنین اجتماعی با استمداد از برکت بیت الله الحرام و توجه دانشمندان سراسر جهان اسلام و با کمک های دولت های اسلامی، گامی در جهت رفع مشکلات و استفاده بهتر از استعدادها و امکانات و نزدیک کردن قلوب مسلمانان به یکدیگر بردارد.

۷- می توانیم میثاق این اجلاس را براساس اصول و قواعد مسلم و مورد وفاق همه مذاهب اسلامی و با تکیه بر معارف قرآن شریف تنظیم کنیم. به چند نمونه از اصول مسلم قرآنی اشاره می کنم:
الف - اصل و وظیفه تمسک به حبل الله و پرهیز از تفرقه؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)

ب - اصل مشورت و هماهنگی با توجه به آیات؛ «و شاورهم فی الأمر» (آل عمران؛ ۱۵۹) و «و أمرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸).

ج - قاعده نفی سبیل یا ممنوعیت سلطه پذیری در مقابل کفار؛ «و لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا» (نسا: ۱۴۱).

د - اصل تکلیف حفظ عزت و اعتبار امت اسلامی؛ «و لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» (آل عمران: ۱۳۹).

هـ - و اصل پرهیز از تنازع و تفرقه و بی اعتبار کردن امت اسلامی؛ «و لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْکُمْ» (انفال: ۴۶).

و اصول و قواعد فراوان دیگر که در کتاب و سنت اتخاذ شده است.

۸- بی شک وظیفه علما و مدیران کشورهای اسلامی است که در تحکیم دین خدا و حفظ ارزش های اسلام و قرآن و تحکیم عدالت و دفاع از مظلومان و مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از ارزش های الهی در سطح داخل و خارج تلاش کنند.

آیات و روایات فراوان این وظیفه مهم را تأکید کرده و از مواردی است که ترک آن را باعث استحقاق عذاب الهی دانسته است.

۹- مشکلات و نابسامانی ها معلول عوامل زیادی است که سه عامل انحصارطلبی و زیاده خواهی های مستکبران قدرت طلب و سوء عملکرد داخلی امت اسلامی و جهل و افراط ها و تفریط ها، بیش از همه تأثیرات منفی دارند.

۱۰- کانون آشوب و فساد و ناامنی در پیکره جهان اسلام، از موارد مشخص این نابسامانی ها و آثار عوامل فوق الذکر است؛ از جمله فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان، سودان و سومالی که نیاز به توجه

ویژه برای رفع مشکلات و اصلاح امور دارد.

۱۱- حضور نیروهای اشغالگر و مستکبران در قلب کشورهای اسلامی و به خصوص در منطقه مهم خودمان نیز از آثار نکبت بار همان سه عامل الذکر است.

۱۲- بحران‌های محیط زیست، مواد مخدر، اعتیادهای مضر و امراض خطرناک و رنج‌های فراوان کشورهای محروم و نیازمند و عقب‌نگه داشته شده و شیوع فرهنگ مبتذل غرب که در صورت اجرای احکام و معارف اسلامی نباید در میان امت اسلامی وجود داشته باشد. اسلام دین جهانی است و هدف آن، حل مشکلات همه بشریت است و ما به عنوان مسلمان و صاحب نظر اسلامی نمی‌توانیم از فقر و تبعیض و گرفتاری‌های بخش عظیمی از خانواده بزرگ بشری غافل بمانیم و در گفتگو با مراکز دیگر، باید برای آن‌ها راه حل ارائه کنیم.

۱۳- ثبات و امنیت پیش شرط توسعه و تکامل و موفقیت‌هاست و همان سه عامل فسادگر مانع تحقق آن‌ها در قلمرو امت عظیم و پهناور اسلامی است. بی‌شک همکاری و هماهنگی کشورهای بزرگ‌تر در جهان اسلام؛ از جمله ایران و عربستان، در این زمینه مسؤولیت‌ها و امکانات بیشتری دارند.

۱۴- توجه به این نکته مهم، که ادیان الهی قلب تمدن‌های سراسر تاریخ بشری است و در این میان دین اسلام، که خاتم ادیان آسمانی است، اساسی‌ترین نقش را در هدایت کاروان تمدن بشری ایفا کرده است و امروز که بار دیگر جنبش‌های علمی و فنی در جای جای جهان اسلام در حال شکوفایی است و وظیفه مهمی به عهده علما و دانشمندان روحانی است که تلاش کنند تا این روح مقدس را در کالبد نهضت‌های نرم‌افزاری در حال توسعه و نهایتاً در تجدید تمدن اسلامی بدهند و حفظ کنند.

۱۵- این اجلاس شریف و اجلاس‌های مشابه، اصلاح امور جهان و قبل از آن امور امت را از راه گفتگو و تفاهم مد نظر دارند و لذا ضروری است به پیش‌نیازهای موفقیت و رسیدن به اهداف گفتگو توجه کنیم از جمله:

الف - مراعات اخلاق گفتگو و جدال احسن که توصیه قرآن کریم است.

ب - مراعات ادب و نزاکت اسلامی و انسانی و پرهیز از تحقیر و توهین.

ج - انصاف در طرح مطلب و پذیرش نتیجه محاوره با هدف اتباع احسن

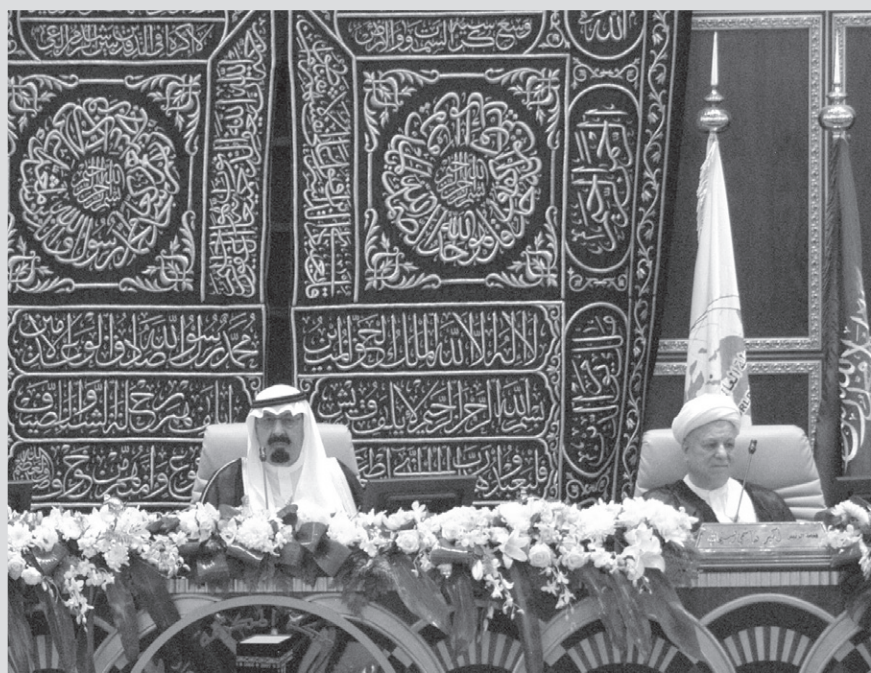
د - مراعات متدلوژی و ادبیات رایج گفتگو که حاصل تجربیات دانش بشری است.

هـ- و نهایتاً گفت و گو با مراکز خارج از جهان اسلام با مرکزیت واحد و هماهنگ و نه به شکل فرقه‌ای و جداگانه.

ارج گذاری ویژه به هاشمی رفسنجانی در نشست مکه

(www.shahabnews.com)

مسعود جهان دوست



یادداشت ها و تحلیل ها

میقات

فصلنامه فرهنگی اجتماعی
سیاسی، تاریخی

۷۳

هاشمی رفسنجانی شخصاً از سوی پادشاه عربستان سعودی دعوت شد. ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی امروز (چهارشنبه ۱۳۸۷/۳/۱۵) رسماً همایشی سه روزه را در شهر مکه افتتاح کرد که هدف از آن سیاستگذاری و برنامه ریزی برای گفتگو میان جهان اسلام و پیروان دیگر ادیان اعلام شده است. برگزارکننده همایش، سازمان همیاری جهان اسلام (رابطة

العالم الإسلامي) در عربستان سعودی است و مدیریت همایش را دبیر کل این سازمان، شیخ عبدالله الترکی به عهده دارد که از علمای برجسته عربستان سعودی و وزیر پیشین امور اسلامی و اوقاف این کشور است. در این همایش شرکت کنندگانی از پنجاه کشور جهان حضور دارند که بلندپایه ترین آنان، آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران است. آقای هاشمی رفسنجانی که پیش از برگزاری همایش دیدار جداگانه‌ای با ملک عبدالله داشت، به عنوان میهمان همایش، مورد پذیرایی ویژه قرار گرفت؛ هنگام ورود به تالار همایش، همراه و در کنار هم بودند. در جلسه نیز در کنار هم نشستند. تصویر و خبر دیدار اکبر هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله، در ایام همایش، گزارش اصلی صفحه نخست روزنامه‌های عکاظ و الرياض، دو روزنامه مهم سعودی بود.

ارج ویژه‌ای که به هاشمی رفسنجانی در این همایش نهاده شده، از دید آگاهان به عنوان ارسال پیامی از جانب دولت سعودی به شمار می رود، حاکی از این که حکومت سعودی مشکلی با حکومت شیعی ایران ندارد. قدرت گرفتن شیعیان در عراق طی سال‌های اخیر نگرانی اکثریت سنی مذهب جهان عرب و در رأس آن‌ها عربستان سعودی را برانگیخته

و مقامات سعودی بارها ایران را متهم کرده‌اند که با حمایت از شیعیان در عراق و لبنان به دنبال برافراشتن قدرتی شیعی در منطقه و به چالش طلبیدن حکومت‌های عرب سنی مذهب است.

آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی از دو روز پیش از برگزاری همایش وارد عربستان سعودی شد. او به صورت شخصی، از جانب ملک عبدالله به همایش دعوت شده و سفیر عربستان سعودی در تهران هنگام تقدیم دعوت نامه پادشاه سعودی به وی گفته بود: «ملک عبدالله به دلیل جایگاه والایی که در دنیای اسلام برای حضرت عالی قائل‌اند و معتقدند باید از اندیشه و دانش شما بهره کافی برد، شخصاً به من مأموریت دادند تا از جناب عالی برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آورم.»

بر خلاف آقای هاشمی رفسنجانی که علاوه بر موقعیت ممتاز دینی، مقامی سیاسی است، دیگر شرکت کنندگان در همایش مکه، عمدتاً علمای اسلامی‌اند. دیگر میهمان ایرانی همایش مکه، آیت الله محمدعلی تسخیری رئیس مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی و رئیس پیشین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. آقای تسخیری قرار است ریاست جلسه دوم همایش را به عهده داشته باشد.

در میان رؤسای جلسات چهارگانه همایش مکه، محمدعلی تسخیری تنها فرد شیعه مذهبی

است که ریاست جلسه به او سپرده شده است. رؤسای دیگر جلسات عبارت‌اند از: صالح بن عبدالله بن حمید، رئیس مجلس شورا (مجلس مشورتی) عربستان سعودی، مصطفی ابراهیم تسریچ مفتی اعظم بوسنی و هرزگووین و عبدالرحمان بن محمد سوار الذهب، رئیس هیأت امنای سازمان تبلیغات اسلامی (الدعوة الإسلامیه) سودان.

برنامه همایش به شکل رشته‌ای از سخنرانی‌ها است که با پرسش و پاسخ و بحث همراه می‌شود و تنها سخنران شیعه مذهب همایش، شیخ جواد خالصی، از علمای شیعه عراق و رئیس مدرسه علمیه خالصیه در کاظمین است. شیخ جواد خالصی از بنیانگذاران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است که با پشتیبانی ایران و برای مبارزه با حکومت صدام در عراق تشکیل شد، هرچند آقای خالصی بعدها با مجلس اعلای اختلاف نظر پیدا کرد و از آن جدا شد.

دیگر شرکت کنندگان مهم همایش مکه عبارت‌اند از: علی جمعه محمد عبدالوهاب، مفتی مصر، احمد محمد هلیل مرجع شرعی (قاضی القضاة) اردن، شیخ محمد علی جوزو، مفتی جبل لبنان، شیخ محمد احمد حسین، مفتی اعظم قدس و سرزمین فلسطین، رضوان نایف السید، مشاور نخست وزیر و رئیس مرکز عالی مطالعات اسلامی لبنان، شیخ ابو الکلام محمد

یوسف، رئیس جماعت اسلامی بنگلادش، شیخ بدرالحسن قاسمی نایب رئیس مجمع فقه اسلامی هند، محمد علی محجوب وزیر پیشین اوقاف مصر، شیخ فوزی زفراف معاون پیشین رئیس دانشگاه الأزهر مصر، عزالدین مصطفی ابراهیم مشاور فرهنگی حاکم امارات متحده عربی، شیخ فضل الرحمان رئیس جمعیت علمای اسلام پاکستان، ابو جره عبدالله سلطانی رئیس جنبش جامعه سالم و عضو هیأت دولت الجزایر، شیخ عمار طالبی نایب رئیس جمعیه العلمای الجزائر، شیخ قیس کلبی، رئیس مؤسسه فرهنگی اسلامی آمریکا، محمد یوسف هاجر دبیرکل سازمان اسلامی آمریکای لاتین و دریای کارائیب، انس بن حسن شقفه رئیس هیأت اسلامی اتریش، علی اوزاخ رئیس سازمان مطالعات اسلامی ترکیه، مروان فاعوری دبیرکل مرکز جهانی همفکری در اردن، حاج عمر سیلابا رئیس شورای عالی اسلامی و شیخ محمد عبدالزکی کالون رئیس اتحاد مبلغان مسلمان و مدیر رادیو صدای اسلام در سیرالئون، عبدالله بن عمر نصیف دبیرکل شورای جهانی اسلامی تبلیغ و نجات (الدعوة والاغاثة) در عربستان سعودی، محمد سماک دبیرکل کنگره اسلامی روحانی (القمة الإسلامية الروحیه) در لبنان، مصطفی زباخ مدیرکل اتحاد مجامع اسلامی در سازمان فرهنگی کنفرانس اسلامی (ایسسکو).

دعوت به وحدت در مرکز توحید

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۷/۰۳/۲۶

رسانه‌ها، اصحاب فکر و فرهنگ و فعالان سیاسی عربستان سعودی، آیت الله هاشمی رفسنجانی را «معمار روابط عربستان و جمهوری اسلامی ایران» می‌دانند. با این تحلیل، بسیار طبیعی است که در شرایط دشوار و زمانی که به دلایل متعدد خدشه‌هایی در روابط میان دو کشور پدید می‌آید، پادشاه عربستان، ملک عبدالله، که او نیز برای رابطه با ایران اهمیت و ارزش خاصی قائل است، دست نیاز به سوی معمار روابط عربستان و جمهوری اسلامی ایران دراز کند و از او برای ترمیم این روابط استمداد نماید.

سفر ۱۰ روزه آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان (۱۳ تا ۲۳ خرداد ۸۷) اما این بار هدفی فراتر داشت. دولت عربستان به دلایل متعدد نیازمند ایجاد تعادل در کشور و جا انداختن و نهادینه کردن فرهنگ میانه‌روی به ویژه اقشار و مجموعه‌های روحانی و مذهبی است. افراط‌گرایی‌های سلفیون و مشکلاتی که در داخل برای دولت پدید آورده، اقدامات خرابکارانه گروه‌های افراطی و تروریست منتسب به سلفی‌ها در خارج از عربستان که موجب زیر سؤال رفتن دولتمردان عربستان شده و مشکلاتی که سیاست‌های غلط و مداخله‌جویانه بوش و همراهی عربستان با او در منطقه برای دولتمردان سعودی پدید آورده و اعتبار عربستان را کاهش داده، از جمله این دلایل هستند.

ملک عبدالله، پادشاه عربستان برای ترمیم جایگاه عربستان و آل سعود، چاره‌ای جز اقداماتی از قبیل برگزاری گفتگوی مذاهب به عنوان مقدمه‌ای برای گفتگوی ادیان نداشت. کنفرانس بین‌المللی گفتگوی اسلامی، که از چهارشنبه ۱۵ تا ۱۷ خرداد ۸۷ در مکه مکرمه برگزار شد، این هدف را دنبال می‌کرد. برای تأمین موفقیت این اجلاس و ترمیم روابط خدشه‌دار شده عربستان با جمهوری اسلامی ایران، چه اقدامی از حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در این کنفرانس و در حاشیه آن برای گفتگوهای مفصل پادشاه عربستان با ایشان می‌توانست مؤثرتر باشد. درست به همین دلیل بود که پادشاه عربستان با اصرار و دعوت‌های مکرر از آقای هاشمی رفسنجانی خواست در این اجلاس شرکت کند و در جلسه افتتاحیه آن سخنرانی نماید.

حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در اجلاس مکه، به عنوان چهره‌ای شناخته شده و معتبر از نظر علمی، فکری، سیاسی و مدیریتی که در سطح بین‌المللی از اعتبار و جایگاه خاصی برخوردار است، به این اجلاس اعتبار بالایی بخشید و به آن جهت داد. سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی در جمع ۸۰۰ نفر از علما و نمایندگان مذاهب اسلامی از سراسر جهان، به دلیل محتوای جامع و توجه به مسائل مهم جهان اسلام، خوش درخشید و موجب اعجاب بزرگان حاضر در اجلاس شد.

علاوه بر توجه دادن به مشکلات جهان اسلام؛ از قبیل اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها، تجاوز آمریکا به کشورهای اسلامی، اتلاف امکانات مسلمانان در اثر اختلافاتی که وجود دارد و ضرورت استفاده از ثروت‌های عظیم و نیروهای کارآمدی که امت اسلامی در اختیار دارند، برای تأمین وحدت و ایجاد تعادل در امت اسلامی، تکیه بر این نکته که این اجلاس نباید مثل بسیاری از اجلاس‌ها بدون نتیجه باشد و باید تلاش کنیم مطالب مطرح شده در این اجلاس را به مرحله عمل برسانیم، از نکات اساسی سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی بود. دعوت به وحدت در مرکز توحید، زیباترین فراز این سخنرانی بود. چند عالم شیعه از عراق و لبنان و شرق عربستان نیز در این اجلاس حضور داشتند. هر چند تلاش برای تأثیرگذاری بر اجلاس گفتگوی اسلامی توسط یک عالم برجسته شیعه، آن‌هم از پایگاه جهانی انقلاب اسلامی از اهداف مهم این سفر بود و سخنرانی آیت الله هاشمی رفسنجانی توسط سه شبکه تلویزیونی عربستان مستقیماً پخش شد و در شبکه‌های تلویزیون جهان غرب و همچنین در همه روزنامه‌های عربی انعکاس وسیع داشت، لیکن اصلی‌ترین بخش سفر، زیارت خانه خدا بود که به مجرد ورود به عربستان و قبل از هر اقدام دیگری صورت گرفت. مذاکره با پادشاه عربستان، دیدار با روحانیون کاروان‌های زائران ایرانی و خود زائران، اقداماتی که برای حل مشکلات زائران انجام شد، کارهای دیگری است که در حاشیه سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی به عربستان به آن‌ها نیز توجه شد.

مقدمه

سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عربستان، علاوه بر زیارت خانه خدا و نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه بعث الله بقیع علیهم السلام، سه هدف را دنبال می‌کرد: هدف نخست، پاسخ مثبت به دعوت ملک عبدالله برای شرکت در کنفرانس مکه بود. بی‌تردید، شرکت در کنفرانس گفت‌وگوی مذاهب اسلامی، که در آن بیش از ۸۰۰ تن از متفکران و صاحب‌نظران جهان اسلام حضور داشتند، فرصتی بود که ایشان ضمن تبیین مسایل مهم متبلا به جهان اسلام؛ از جمله وحدت جهان اسلام و ضرورت تقریب مذاهب برای جلوگیری از شکاف، ملاقات‌هایی را نیز در حاشیه اجلاس با میهمانان برجسته و با نفوذ کنفرانس، با هدف بررسی آخرین تحولات جهان اسلام، چالش‌های موجود و راه‌های مقابله با توطئه‌ها علیه جهان اسلام صورت دهند. هدف دوم، رایزنی و تبادل نظر با ملک عبدالله پادشاه عربستان در خصوص روابط دو جانبه و موضوعات و تحولات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بود که با توجه به شرایط خاص منطقه، به ویژه تحولات فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان، بسیار با اهمیت تلقی شد. هدف سوم، پیگیری حل مشکلات زائران خانه خدا و ایجاد تسهیلات برای آن‌ها بود. با توجه به روابط نزدیک میان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ملک عبدالله، مذاکرات و برنامه‌ها در محیطی صمیمانه انجام شد.

مقاله حاضر در بخش اول، به کالبد شکافی

روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل

دکتر محمود واعظی

سال شانزدهم، تابستان ۸۷
شماره ۶۴

میقات

فصلنامه فرهنگی-اجتماعی
سیاسی-تاریخی

۷۸

روابط ایران و عربستان در شرایط جدید منطقه‌ای و در بخش دوم به پی‌آمدهای تحکیم روابط دو کشور در رابطه با تحولات منطقه و جهان اسلام و نیز به دستاوردهای سفر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌پردازد.

بخش اول: کالبد شکافی روابط ایران و عربستان

۱ - روابط ایران و عربستان و شرایط جدید منطقه‌ای

عربستان به دلیل ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی خود، از دیگر کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای همسایه آن در حوزه جنوبی خلیج فارس متمایز می‌باشد. ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای که به پدید آمدن فرهنگی خاص منتهی شده است، همراه با آموزه‌های عمیقاً سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب «وهابیت»، به جامعه عربستان ترکیب منحصر به فردی بخشیده است. حکمرانان آل سعود با وجود ذخایر عظیم نفتی، همواره از ثروت سرشاری برخوردار بوده‌اند. عربستان حدود یک چهارم ذخایر اثبات شده نفت جهان (حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه) را در اختیار دارد و از این منظر، وضعیت سیاسی و ثبات یا ناامنی در این کشور نفت خیز از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار می‌باشد. پادشاهی سعودی در بُعد منطقه‌ای و فراتر از آن، در حوزه جهان اسلام نقشی مهم برای خود قائل است و با

حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی)، در پی بسط حوزه نفوذ خود بوده است.

ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قائل می‌باشند. روابط بین دو کشور از پیروزی انقلاب تا کنون همواره با نوساناتی توأم بوده است.

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین کننده در منطقه محسوب می‌شوند. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت روابط دو کشور نکاست بلکه پدیده نوین انقلاب و رخدادهای متأثر از آن، به همراه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط دو کشور را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی فوق‌العاده‌ای بخشید. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، سوء ظن اعراب حوزه خلیج فارس نسبت به آنچه که آن را تلاش جمهوری اسلامی برای صدور «انقلاب شیعی و ایدئولوژی ضد غربی» تعبیر می‌کردند، در واکنش آن‌ها به جمهوری اسلامی نوپا در ایران انعکاس یافت.

دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای مذکور با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، به طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام برداشتند. نمونه این تقابل را می‌توان

در موضع گیری‌ها و کمک‌های مالی برخی از کشورهای عربی خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران به رژیم صدام جست و جو نمود.

در دهه ۱۹۹۰ و پس از جنگ ایران و عراق، با اقداماتی که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی و به ویژه پس از حمله عراق به کویت صورت گرفت، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری و اعتمادسازی شد. عربستان چنین می‌پنداشت که با تغییر در شرایط نظام بین‌المللی (پس از سقوط کمونیسم) و تحولات منطقه‌ای، فضا برای ترسیم روابط تازه مهیا شده است. روند مناسبات دو کشور در اواسط دهه ۷۰ شمسی و پس از اعلام سیاست تنش‌زدایی از سوی جمهوری اسلامی، رو به بهبود نهاد و دو طرف علی‌رغم اختلافات موجود سعی بر برطرف کردن ابهامات موجود و نزدیکی روابط داشتند، اما در کل، هیچ‌گاه سوء ظن و بدگمانی اعراب به طور کل و عربستان به طور خاص نسبت به ایران بر طرف نشد.

در بررسی روابط ایران و عربستان، لازم است محورهای زیر مورد توجه قرار گیرد:

- اهمیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خلیج فارس؛
- موضوع انرژی و نقش دو کشور در اوپک، جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای و رقابت‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه استراتژیک خلیج فارس؛
- موقعیت و جایگاه عربستان سعودی و

ایران و عوامل تأثیرگذار در مناسبات سیاسی دو کشور؛

- نقاط اشتراک و افتراق بین دو کشور؛
- خصوصیات پادشاهی عربستان؛
- چالش‌های درونی جامعه عربستان؛
- حوادث ۱۱ سپتامبر و تبعات آن برای عربستان؛
- شرایط کنونی عربستان سعودی؛
- فرصت‌ها و چالش‌های فراروی ایران؛
- سیر روابط و وضعیت کنونی؛
- پیامدهای نزدیکی دو کشور در سطوح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.

با توجه به این که ساختار حکومت عربستان کاملاً فردی است، روابط حسنه سران عربستان و ایران طی دو دهه گذشته عاملی بازدارنده در برابر افزایش شکاف‌های طرفین به حساب می‌آید. پس از پیروزی انقلاب، سه نگرش بعضاً متفاوت در مورد برخورد با مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی حاکم بوده است:

- نگرش اول جنبه ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه دارد و سعی می‌کند محیط پیرامونی را به طور کامل جذب مبانی فکری و انقلابی ایران کند.
- نگرش دوم معتقد است با توجه به حساسیت‌های موجود در منطقه و واقعیت‌های نظام بین‌الملل، ایران باید بر روی مشترکات کار کند و همکاری‌ها در زمینه عرصه‌های غیرحساس بیشتر شود تا اعتماد لازم به وجود آید؛ زیرا تنها در پرتو روابط خوب است که می‌توان اهداف و منافع را کسب نمود.

نگرش سوم بر این تصور قرار دارد که با توجه به ظرفیت‌های معنوی و مادی جمهوری اسلامی و واقعیت‌های موجود در صحنه نظام بین‌الملل، با برنامه‌ریزی و دوری از افراط و تفریط در سیاست‌های اعلامی و اعمالی می‌توان موقعیت نظام را به گونه‌ای مناسب تقویت و تثبیت کرد.

این نگرش‌ها در هر مقطعی که حاکم شده‌اند تأثیرات خاص خود را بر جای گذاشته‌اند. تصور اعراب و به‌ویژه عربستان این است که در حال حاضر نگرش اول مجدداً در سیاست خارجی ایران حاکم شده است. این تصور برای عربستان بسیار حساسیت برانگیز و نگران‌کننده شده است.

۲- رویکرد منطقه‌ای عربستان

عربستان سعودی در مقایسه با سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، در عرصه سیاست خارجی و تعامل با قدرت‌های بزرگ، رویکردی مستقل‌تر را دنبال می‌کند که به دیدگاه‌های ایران در خصوص محدود نمودن نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس نزدیکی بیشتری دارد. این مسأله در تلاش سعودی‌ها برای تقویت هم‌گرایی درونی شورای همکاری خلیج فارس و در اولویت قرار دادن روابط گروهی با سایر بازیگران نسبت به روابط دو جانبه بیشتر آشکار است. رویکرد فوق از ویژگی‌های ژئوپلیتیک و قدرت عربستان و هم‌چنین حوادث بعد از یازده سپتامبر ناشی

می‌شود و این کشور سعی می‌کند تا در سیاست خارجی خود بین قدرت‌های بزرگ توازن ایجاد کند و هم‌چنین روابط منطقه‌ای خود را نیز در این چارچوب لحاظ کند.

گرایش عربستان به ثبات منطقه‌ای که بخش عمده‌ای از آن در جریان تعامل و هم‌فکری با سایر بازیگران اصلی منطقه‌ای از جمله ایران محقق می‌شود، از بی‌ثباتی‌ها و تحولات متغیر سال‌های گذشته در منطقه نیز تأثیر پذیرفته است.

سیاست نومحافظه‌کاران دولت بوش بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، مانند: متهم کردن سعودی‌ها به تروریسم، طرح خاورمیانه بزرگ و سیاست اصلاحات و دموکراسی‌سازی در کشورهای عربی و همچنین حمله به عراق، به رغم نارضایتی‌های منطقه‌ای، تردید و بی‌اعتمادی را در رهبران سعودی نسبت به دولت آمریکا و سیاست‌های آن افزایش داده است. این امر به افزایش روابط با سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای از یک سو و تقویت مناسبات منطقه‌ای از سوی دیگر منجر می‌شود. تحول مذکور فرصت مناسبی را برای توسعه روابط ایران و عربستان سعودی مهیا می‌سازد.

در سطح منطقه‌ای، عربستان نسبت به افزایش نقش ایران در افغانستان، لبنان، فلسطین و به‌ویژه عراق نگران است، تحولات چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه که موجب افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و شیعیان شد، اسباب نگرانی پادشاهی سعودی در مورد کاهش نقش

و نفوذ خود در منطقه را فراهم آورده است. این نگرانی‌های اخیر به همراه حساسیت و سوء ظن‌های همیشگی عربستان به ایران، واکنش‌هایی را از سوی ریاض به منظور تغییر در معادلات منطقه برانگیخته است.

در گذشته همواره ایران، عربستان سعودی و عراق به عنوان سه کشور مهم و تعیین کننده در منطقه خلیج فارس مطرح بودند و توافق دو کشور از این سه کشور کافی بود تا تأثیرگذاری لازم بر مسائل و تحولات عمده و مهم منطقه صورت گیرد، لذا عربستان تلاش می‌کند که از عراق به عنوان ابزاری برای ارتقای نقش خود در منطقه استفاده نماید. حساسیت عربستان نسبت به افزایش نقش ایران و شیعیان در عراق، از این زاویه اهمیت می‌یابد.

عربستان همواره خود را در نقش یک مدافع تمام عیار اهل سنت تعریف کرده است و نسبت به کاهش نقش سنی‌ها در عراق، لبنان و یا کشورهای همجوار خود؛ مانند بحرین حساس و نگران است.

عربستان توانایی بر هم زدن بیشتر اوضاع در منطقه را از طریق حمایت از نیروهای ضد شیعی دارا می‌باشد؛ امری که جمهوری اسلامی ایران لازم است نسبت به آن حساس باشد. اخیراً بر شمار اعلامیه‌ها و فتاوی‌ای که از سوی علمای سنی علیه شیعیان صادر می‌شود، افزوده شده است. در همین راستا، چندی قبل اعلامیه‌ای توسط ۳۸ نفر از علمای عربستانی امضا شد که در میان آن‌ها اسامی اشخاص مشهور مخالف دولت

عربستان همچون صفر حوالی و سلیمان العوده (از جمله نظریه پردازان نیروهای تکفیری ضد دولت عربستان که اخیراً از زندان آزاد شده‌اند) مشاهده می‌شود. در این اعلامیه، آن‌ها خواستار مقابله مستقیم با شیعیان در منطقه شدند. دولت عربستان می‌کوشد تقابل این نیروهای بنیادگرا را غیردولتی قلمداد نماید و آن را به علمای اهل تسنن، حتی خارج از عربستان مربوط سازد.

نقش عربستان در جهان اهل سنت حائز اهمیت است. این نقش از موقعیت ژئوپلیتیک، وجود حرمین شریفین در این کشور و حمایت‌های مداوم آن از سنی‌ها نشأت می‌گیرد. با توجه به نقش مذکور، در صورتی که سعودی‌ها احساس کنند که ایران خواستار برتری و تسلط مطلق در منطقه و نادیده انگاری نقش عربستان است، این احتمال وجود دارد که با تشدید تنش‌های شیعی - سنی از این مسأله برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و به ویژه در میان ملت‌های عرب استفاده کنند.

۳- رویکرد عربستان به تحولات عراق

رویکرد عربستان به دولت جدید عراق که در آن شیعیان و کردها حضور وسیعی دارند، در مراحل اولیه براساس نفی واقعیت‌های نوین، مخالفت و حتی حمایت غیرمستقیم از نیروهای مخالف بود. عربستان همواره تلاش می‌کند که جایگاه و شأن سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق ارتقا یابد. پذیرش یک رییس جمهور کرد و

نخست‌وزیر شیعه در رأس حکومت، در کشوری که ۱۴۰۰ سال به طور مستمر در حاکمیت اعراب قرار داشته، برای عربستان بسیار دشوار است. عربستان اصرار دارد که عراق یک کشور عربی باقی بماند. به نظر می‌رسد با بهبود شرایط امنیتی عراق، افزایش نقش گروه‌های سنی در ساختار قدرت و نهادینگی و ثبات بیشتر ساختارهای جدید و به ویژه تعدیل تصورات سعودی‌ها از دولت مالکی به عنوان دولتی فرقه‌گرا، اکنون عربستان همراه با اغلب دولت‌های عربی رویکرد متعادل‌تری را در قبال عراق در پیش گرفته باشد. از نشانه‌های این رویکرد می‌توان به تصمیم اعزام سفیر به عراق در چند ماه آینده اشاره کرد.

علی‌رغم اختلاف نظرهای موجود میان ایران و عربستان سعودی نسبت به وضعیت و تحولات عراق، با توجه به نگرانی‌های امنیتی دو کشور نسبت به آینده عراق و احتمال گسترش آن به برخی از کشورهای منطقه از یک سو و حضور و نفوذ آمریکا در این کشور و اعمال سیاست‌های مخرب از سوی دیگر، زمینه‌هایی وجود دارد که می‌تواند موجب همکاری و تفاهم دو کشور در عراق گردد.

۴ - دغدغه‌های روابط ایران و عربستان

ویژگی‌های ایران و عربستان سعودی؛ از جمله نقش دو کشور در جهان اسلام، موضوع حج، بازار نفت، حضور فعال هر دو کشور در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی، موقعیت

ویژه جغرافیایی آن‌ها در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اقلیت شیعه و سنی، حکایت از اهمیت این دو کشور برای یکدیگر دارد. گرچه این ویژگی‌ها در وهله اول به مثابه نقاط اشتراک دو کشور تجلی می‌یابد و بعضاً به عنوان عوامل پیوند دهنده روابط فرض می‌شود، اما واقعیت آن است که تلقی و اهداف متفاوت تهران و ریاض از عناصر فوق و چگونگی استفاده از هر یک از ویژگی‌های مذکور جهت تأمین منافع کشوری، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهان اسلامی خود، بخش عمده‌ای از این نقاط اشتراک را می‌تواند به نقاط افتراق تبدیل کند.

در کنار عناصر فوق، اختلاف نظر میان ایران و عربستان که متأثر از عواملی مانند نوع و ساختار حکومت، مفهوم امنیت و اجرای الگوی مشخص امنیت منطقه‌ای، روابط با آمریکا، تفکر وهابیت و تکفیر شیعه، حمایت عربستان از صدام در طول جنگ تحمیلی و کشتار مکه، تلقی عربستان از نقش ایران در دو دهه گذشته در منطقه و انتقاد از حضور القاعده در ایران می‌باشد و نیز سیاست‌های متفاوت ایران و عربستان در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین، نشان می‌دهد که توسعه و گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی بر بستری از تناقضات و رقابت‌های پیچیده استوار است که حرکت در مسیر آن ظرافت و دقت بسیاری می‌طلبد.

یک بحث آسیب‌شناسانه در روابط بین‌الملل آن است که دولت‌ها نه بر اساس واقعیت‌های موجود بلکه بر اساس برداشت خود از واقعیت‌ها

دست به عمل می‌زنند.

اهمیت قبلی خود را از دست می‌دهد و ابعاد متفاوتی می‌یابد که محدودتر و ملموس‌تر است و می‌توان مشخصاً به حلّ یا کاهش آن‌ها همت گماشت. اما حس تهدید به این معنی است که ممکن است تهدید در هر زمان و در هر مکان و با میزان غیرقابل درکی از شدت روی دهد و دولت مورد نظر در هیچ مورد آگاهی قطعی از آن نداشته باشد.

پس، احساس یا تصور تهدید برعکس، نتایجی کاملاً واقعی دارد. احساس تهدید نسبت به ایران که در برخی از کشورهای عربی به وجود آمده موجب شده است که کوشش‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران برای نزدیکی و تفاهم با اعراب نتواند به اهداف خود برسد و از آن سو موجبات تحرک چرخ‌های دیپلماسی آمریکا را فراهم آورده است. در این جا نکته مهم آن است که بدانیم اصلی‌ترین تلقی و ریشه‌ای‌ترین تصور در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا چیست؟ این تصور آن است که دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان به طور اصولی در رقابت با یکدیگر قرار دارند و بین آنها ظرفیت‌های تعارض بیش از ظرفیت‌های توافق است. از آن سو، جدی شدن نزدیکی بین دو کشور نیز با تصورات و برداشت‌های نهادینه شده آمریکا از رقابت میان دو قدرت منطقه‌ای منافات دارد. تهدید جلوه دادن ایران، نتیجه طبیعی این اندیشه نهادینه در سیاست خارجی آمریکاست.

تلاش عمده آمریکا در منطقه خاورمیانه در

وخامت این مشکل در آن نیست که بسیاری از برداشت‌ها در روابط بین‌الملل غیر واقعی است، بلکه در آن است که برداشت‌های غیر واقعی، رو به افزایش و تقویت خود دارند و هر زمان خود را باز تولید می‌کنند، تا آنجا که گاه به آستانه اقدام خصمانه می‌رسند.

به لحاظ عملی، روشن است که اصلی‌ترین محور فعالیت‌های دیپلماتیک و اشنگتن در منطقه یا ابزار سیاست خارجی این کشور، تأکید بر تهدید آفرینی ایران است. ترس از ایران شیعی به ویژه هنگامی که به تکنولوژی هسته‌ای مجهز شود، اصلی‌ترین ابزار اقله‌ای و اشنگتن در ارتباط با اعراب می‌باشد. اما به عکس، کاهش حس تهدید در اعراب، مخرب و زایل‌کننده سیاست خارجی آمریکا در منطقه خواهد بود.^۱ حجم وسیع صادرات اسلحه آمریکا به منطقه خاورمیانه عربی، مرهون همین احساس است. تبعیت‌ها و هماهنگی‌های اعراب با سیاست خارجی آمریکا نیز از همین نقطه برمی‌خیزد. فراتر از این، واقعیت آن است که احساس تهدید از واقعیت یافتن تهدید مهم‌تر و درگیرکننده‌تر است و این به دلیل آن است که احساس تهدید، تداوم دارد و با تداوم خود هزینه‌هایی را می‌آفریند و دغدغه‌ها را بر هم انباشته می‌کند و باعث مسائل و مشکلات بیشتر می‌شود. اما از آن سو، واقعیت ناامنی، از گستره زمانی و مکانی محدودی برخوردار است و حالت خاص، موردی و آشکار دارد. تهدید، همین که از احساس به واقعیت تبدیل گردد،

چند سال گذشته این بوده است که تهدید ایران را در جهان عرب جایگزین تهدید اسرائیل کند و این رژیم را به عنوان بازیگری عادی و طبیعی در منطقه جلوه دهد. در این راستا، رهبران آمریکا به مسائل مختلفی؛ از جمله مقاصد هسته‌ای ایران و تلاش آن برای تسلط بر منطقه اشاره می‌کنند و خواستار حمایت کشورهای عربی و به ویژه عربستان برای اتخاذ یک رویکرد تقابلی در برابر ایران هستند. اما این درخواست مورد موافقت رهبران عرب؛ از جمله عربستان سعودی قرار ندارد و آن‌ها به رغم تمایل به محدود کردن نقش منطقه‌ای ایران، خواهان حفظ تعاملات می‌باشند. این امر به خصوص در تأکید سعودی‌ها بر حل مسالمت‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران به جای رویکرد نظامی نمود می‌یابد.^۲

دیپلماسی ایران باید به محور خنثی‌سازی طرح آمریکا مبنی بر تهدید جلوه دادن ایران استوار باشد. با توجه به اهمیت عربستان در منطقه و تأثیر گذاری این کشور بر دیگر کشورهای عربی خلیج فارس، بی‌دلیل نیست که بیشترین نیروی سیاست خارجی ایران در سطح استراتژیک و در عرصه دیپلماسی عربی آن، معطوف به ریاض شده است. با تداوم توجهات به همکاری‌ها با ریاض، می‌توان تصور نهادینه شده آمریکا دایر بر آشتی‌ناپذیری تهران - ریاض را از درجه اعتبار ساقط کرد و این کار با تداوم کوشش‌ها برای بهبود تصوراتی ممکن می‌گردد که از ایران وجود دارد. مؤثرترین، سهل‌ترین و سریع‌ترین راه اصلاح برداشت‌ها استفاده از یک امکان

موجود در دیپلماسی ایرانی؛ یعنی دیپلماسی مبتنی بر روابط شخصی رهبران است.

بخش دوم: پی‌آمدهای تحکیم روابط ایران و عربستان و دست‌آوردهای سفر ۱ - اهمیت دیپلماسی شخصی با عربستان برای اصلاح برداشت‌ها

سفر آقای هاشمی رفسنجانی به عربستان واجد دستاوردهای زیادی برای روابط دو کشور و اصلاح برداشت‌ها نسبت به تحولات منطقه بود. معمولاً در رشته روابط بین‌الملل کم‌تر، بر کارآمدی دیپلماسی شخصی رهبران، دقت و تأمل صورت می‌گیرد. به جای این، دانشوران روابط بین‌الملل عمدتاً بر اهمیت و تعیین‌کنندگی روند ساختارها یا رویه‌های نهادی تأکید می‌کنند. این گرایش‌ها فقط تا حدودی درست می‌باشند، چون حوزه وسیع آزادی‌ها و خلاقیت‌های انسانی را که می‌توانند بر فراز شبکه‌های پیچیده روابط عمل کنند، نادیده می‌گیرند. در واقع، مسأله آزار و اذیت‌ها و محدودیت‌های اعمال شده برای زائران ایرانی بیت‌الله الحرام، معضلاتی ساختاری و نهادین است که از تفکر، تاریخ و تجربیات مذهبی و حکومتی عربستان ریشه می‌گیرد. اگر بخواهیم مسائل ساختاری را با روش‌های ساختاری - نهادین حل نماییم، باید زمان زیادی صبر کنیم و نسیب بودن نتایج را نیز بپذیریم.

کارکرد عمده دیپلماسی شخصی در روابط بین‌الملل دور زدن ساختارها و کوتاه کردن فاصله میان سوء تفاهم‌ها و برداشت‌های واقعی

است؛ البته به این شرط که این نوع دیپلماسی در عرض و نه در طول دیپلماسی عمومی کشور عمل کند.

دیپلماسی شخصی یا خصوصی از تعیین کنندگی ساختارها می‌کاهد و در نتیجه تأثیر برداشت‌های منفی در وخامت روابط میان دولت‌ها را نیز کاهش می‌دهد. اما ارزش دیپلماسی فقط در این حد نیست. همچنان که برداشت‌های منفی خود را در روابط بین‌الملل باز تولید می‌کنند، به همان شکل برداشت‌های اصلاح شده نیز به تقویت و باز تولید خود می‌پردازند؛ یعنی از رفتارها و خط‌مشی‌ها، برداشت‌های مثبتی بر حسن تفاهم صورت می‌گیرد. تقویت تفاهم (یعنی چیزی بیشتر و فراتر از ایجاد تفاهم)، کار ویژه مهم دیپلماسی شخصی رهبران است. این صرفاً به دلیل روابط شخصی میان آیت‌الله هاشمی و ملک عبدالله پادشاه عربستان بود که مقامات عربستان به شکل کاملاً ویژه‌ای از هیأت ایرانی میزبانی کردند و گفت‌وگوهای مفصلی میان آیت‌الله هاشمی و پادشاه سعودی صورت گرفت. همچنین، به دلیل همین روابط شخصی بود که سخزانی آقای هاشمی در کنفرانس گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی، هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ شکلی (سخزانی افتتاحیه)، بازتاب زیادی در میان هیأت‌های شرکت‌کننده، رسانه‌ها و افکار عمومی منطقه داشت و تمامی آن‌ها این سخنان را موفقیتی برای جمهوری اسلامی عنوان کردند.

دیپلماسی شخصی، یک مشخصه عمده در تفکر سیاست خارجی آقای هاشمی است و شایسته به نظر می‌رسد که در هیچ یک از ادوار بعدی سیاست خارجی ایران، این گرایش به محاق فراموشی سپرده نشود. مزایای ناشی از دیپلماسی شخصی رهبران به تنهایی و به خودی خود، واجد تأثیرات چندانی نیست بلکه می‌تواند در طول و همراه با موفقیت‌ها و خلاقیت‌های دیگر مثمر ثمر واقع گردد. دیپلماسی شخصی یک بخش تکمیلی و نه محوری در سیاست خارجی است.

سفر آیت‌الله هاشمی به عربستان، از یک تحول ویژه در نحوه درک رهبران عربستان از جایگاه ایران و امکانات و ظرفیت‌هایی که روابط با ایران می‌تواند برای آنان داشته باشد، حکایت دارد. در این سفر، ملک عبدالله نشان داد که ارتقای روابط دو جانبه برای دولت عربستان تا چه میزان اهمیت دارد. ملک عبدالله تأکید فراوانی داشت که اگر ایران و عربستان راینی و همکاری نداشته باشند، «دیگران» از این موضوع سود می‌برند. همین عبارت ملک عبدالله از یک آگاهی مثبت و یک آگاهی سلبی حکایت می‌کند. آگاهی مثبت درک اهمیت همکاری‌هاست و آگاهی سلبی، اشاره به «دیگران» دارد که ممکن است از عدم همکاری میان دو کشور سود ببرند.

این مذاکرات نشان داد که ایران در شرایطی می‌تواند منبع گونه‌ای خود آگاهی «ملی» برای برخی از دولت‌ها باشد. از زمان به قدرت رسیدن

ملک عبدالله می‌توان چرخشی را در سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد؛ به طوری که تفکرات استقلال‌طلبانه ملی در سیاست خارجی عربستان بیش از گذشته مشهود شده است.

دیپلماسی عربستان اثبات کرد برخلاف گذشته، این کشور درک می‌کند که شکسته شدن تصویر فضای دو قطبی، بیش از دامن زدن به اختلافات مذهبی، امکانات و فضاهای بیشتری را پیش روی دولت عربستان می‌گذارد و این تحولی در خور تأمل است. علاوه بر این، برای راهیابی مشترک در خصوص موضوعات عراق و لبنان نیز، هم‌فکری و رایزنی به عمل آمد. تبادل نظر در مورد بحران‌ها و مشکلات منطقه حکایت از نگرانی‌های ملی عربستان نسبت به تحولات آینده دارد. انعطاف‌های اخیر عربستان نسبت به عراق و پذیرش توافق دوحه در خصوص حل و فصل بحران لبنان، از ظهور رهیافت‌های استقلال‌طلبانه در دیپلماسی عربستان حکایت می‌کند؛ دیپلماسی‌ای که بیش از نیم قرن به نوعی تحت تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن بوده است.^۳ عربستان می‌داند که برخلاف گذشته، اکنون مصلحت دولت این کشور در گسترش سیاست‌های ثبات و هم‌زیستی و نه پیگیری سیاست‌های تعارضی با ایران نهفته است. اتخاذ سیاست‌های همکاری طلبانه با ایران، گسستی پنهان از الهامات سیاست خارجی آمریکاست.

روندهای اساسی در تاریخ، ممکن است دیر شروع شوند اما هنگامی که شروع شوند تداوم می‌یابند و به سادگی پایان نمی‌پذیرند. از این رو،

اقبال عربستان به سیاست همکاری و تفاهم را باید رویکردی معنی‌دار و دارای اهمیت تلقی کرد. یکی از دست‌آوردهای مهم سفر آقای هاشمی رفسنجانی به عربستان سعودی، تلاش برای اصلاح برداشت‌ها بود که پیش‌نیاز اعتمادسازی در روابط دو کشور تلقی می‌شود. توجه آقای رفسنجانی به اهمیت دوستی فردی و اعتماد متقابل میان رهبران در پیشبرد اهداف سیاست خارجی، در این مورد به نتایج مطلوب خود رسید. خوشبختانه با تأکیدات صورت گرفته از سوی آیت‌الله هاشمی، پادشاه عربستان دستورات مؤکدی برای رفع برخی از این موانع و خوش‌رفتاری با زائران ایرانی صادر کرد. در این گفت‌وگوها، آقای هاشمی از پخش جزوات ضد شیعی در میان زائران ایرانی، اهانت به اعتقادات شیعی از سوی مأموران عربستانی، جلوگیری از ورود بانوان به قبرستان بقیع و بازداشت تعدادی از زائران ایرانی و برخی مشکلات ایجاد شده دیگر برای زائران ایرانی ابراز گلایه کرد که پادشاه عربستان قول داد به تمامی این مسائل رسیدگی کند.

نکته قابل توجهی که در سفر آیت‌الله هاشمی به عربستان وجود داشت و طی گفت‌وگوها آشکار گردید، برداشت‌ها و اطلاعات نادرست طرف عربستانی از سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی در عرصه‌های مهم منطقه‌ای؛ از جمله عراق و لبنان بود که پس از مذاکره و گفت‌وگو، بسیاری از این ابهام‌ها مرتفع شد. در این مذاکرات دو طرف به منظور افزایش مفاهمه

و از بین بردن سوء تفاهم‌ها در زمینه مسائل سیاسی دو جانبه و مسائل مهم منطقه و جهان اسلام، ایجاد ساختاری جدید را ضروری تلقی کردند و لذا قرار شد در مورد تشکیل دو کمیته مجزا (کمیته علمایی و کمیته سیاسی)، تحت نظر مقامات عالی دو کشور مطالعات لازم صورت گیرد.

۲ - همایش مکه فرصتی مغتنم

همایش گفتگوی مذاهب اسلامی، علاوه بر آن که فرصت مغتنمی برای تعامل میان علما و اندیشمندان فرقی و مذاهب مختلف اسلامی در سرزمین وحی ایجاد کرد، برای جمهوری اسلامی ایران و در چارچوبی وسیع‌تر، برای تمامی شیعیان، به دلیل چگونگی و شکل حضور آیت‌الله هاشمی در آن، واجد معانی تأمل برانگیزی بود. اگر چه همایش، توسط عربستان سازمان‌دهی شده بود و تقریباً تمامی شرکت‌کنندگان آن را علمای اهل تسنن تشکیل می‌دادند، اما سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه کنفرانس نقش جمهوری اسلامی ایران و شیعه و جایگاه ایشان را برجسته نمود؛ به عبارت دیگر، بهترین زمان کنفرانس به آقای هاشمی رفسنجانی اختصاص پیدا کرد. موضوعی که بنا به گفته ملک عبدالله در ملاقات پایانی، اسباب گلایه برخی علمای عربستان را فراهم کرد.

آیت‌الله رفسنجانی طی سخنانی، بسیاری از مسائل اصلی در جهان اسلام، از جمله

مسائل مربوط به اختلاف‌های مذهبی، مسائل فلسطین، عراق و لبنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با استقبال زیاد سایر شرکت‌کنندگان مواجه شد و بسیاری از علمای شرکت‌کننده در کنفرانس و تحلیل‌کنندگان بیرونی، این سخنان را کاملاً راهگشا و مسؤولانه دانستند. همچنین، سخنان آقای هاشمی به صورت گسترده توسط رسانه‌های مختلف عربی منطقه پوشش داده شد و بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی و مطبوعات، اخبار مربوط به آن و بخش‌هایی از این سخنان را به طور گسترده منعکس ساختند.

این میزان استقبال و مشخصاً این امکان و توان برای آقای هاشمی که در سخنرانی خود طیف وسیعی از موضوعات منطقه‌ای و مسائل متنوع جهان اسلام را، فراتر از موضوع ایران، مورد پوشش قرار دهند، حکایت از آن دارد که ایشان به عنوان یک عالم روحانی شیعی و به عنوان نماینده‌ای از جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس مذکور حضور یافتند و توانستند تجربه‌سی ساله حکومت‌داری دینی و عبرت‌های واقعی ناشی از این تجربه را که در همه کشورهای منطقه قابل کاربرد است، به خوبی طرح نمایند. آیت‌الله هاشمی، جدا از ابعاد دیگر، چکیده و عصاره سه دهه تاریخ سیاست خارجی ایران هستند. هیچ یک از میهمانان در کنفرانس مکه از چنین جایگاهی برخوردار نبود و طبیعی بود که ایشان از موضعی متمایز و خاص در این اجلاس حضور داشته باشند.

براین اساس، تأکید آقای هاشمی بر ضرورت گفت‌وگو میان ادیان و مکاتب دینی، درخواستی صرفاً انتزاعی و متکی بر عوالم نظری و مطالعاتی نبود بلکه مبتنی بر تجربه‌های عینی در خصوص حکومت‌داری دینی بود؛ یعنی تجربه‌هایی واقعی که تفاهم دینی را به عنوان یک ضرورت عینی سیاسی مطرح می‌ساختند. باید دانست که دیدگاهی که بر تجربه و واقعیت مبتنی باشد، بیشترین ظرفیت پاسخ‌گویی به مشکلات واقعی امت اسلامی و ارائه راه‌حلی واقعی و جدا از خطابه‌گری‌های صرف را دارد.

در یک کلام، در سخنان آقای هاشمی ندای وحدت، ندایی از سوی یک دانشمند دینی با گرایش‌هایی صرفاً ذهنی نبود، بلکه ندایی از سوی یک دولت و ملت شیعی بود که بیشترین اشتغالات را با چالش‌های ناشی از ادغام سنت و مدرنیته داشته است و این نکته‌ای بسیار مهم برای همه متفکران و دولت‌های اسلامی است. اگر دیده می‌شود که این سخنرانی طبق گزارش‌ها، با استقبال همه گروه‌ها و اشخاص مواجه شد، از واقع‌گرایانه بودن آن و نه صرفاً از جذابیت‌های نظری و مفهومی برمی‌خاست. سیاستمداران کار کشته به خوبی می‌دانند که تفاهمات هنگامی به دست می‌آید که از مسائل واقعی و تجربی سخن به میان آید. به گفته یکی از سیاستمداران اروپایی، تجربه نشان داده است هنگامی که مسائل به طور ملموس مطرح شوند، تفاهم نیز حاصل می‌شود. در این کنفرانس قرار بود مسائلی عام و اندکی دور از امور اجرایی مطرح شود؛ مانند راهکارهای

گفت‌وگو بین ادیان و فرهنگ‌ها، مفاهیم ارتقای انسانیت، تحقق امنیت و صلح جهانی، پیشرفت اخلاق در جوامع مختلف، دوری از زشتی‌ها برای تقویت پایدار خانواده و برخورد با معضل اعتیاد که زندگی بشر را به خطر انداخته است، اما رویکرد جامع آقای هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه، طراوتی عینی و ملموس به مباحث این کنفرانس بخشید.

۳- تأثیر بهبود روابط ایران و عربستان بر احیای حج ابراهیمی

یکی از دلایلی که سبب اهمیت کنفرانس مکه شد، نفس برگزاری کنفرانس در این سرزمین؛ یعنی در جوار حرمین شریفین و مهبط وحی و سرزمین حج است. از این گونه کنفرانس‌ها در دیگر کشورهای مهم اسلامی زیاد برگزار می‌شود، اما از اهمیتی مشابه با اهمیت این کنفرانس برخوردار نمی‌شوند. بدون تردید، دولت عربستان به عنوان متولی برگزاری مراسم حج نقش مهمی در چگونگی برگزاری این مراسم الهی ایفا می‌کند.

با توجه به این که فلسفه تشریح حج از جانب خداوند، صرفاً محدود به حوزه‌های فردی و عبادی نیست و تمامی منافع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مسلمانان را در برمی‌گیرد، مراد از امنیت در حج نیز صرفاً به معنای امنیت فردی حجاج نبوده، بلکه معنایی بس فراتر را شامل خواهد شد. اگر خداوند در قرآن، حرم الهی را حرم امن معرفی می‌کند، این بدان معناست

که متولیان حرم باید شرایطی را فراهم نمایند تا سران طوایف مسلمانان و رهبران جوامع اسلامی با آسودگی خاطر، گرد یکدیگر جمع شوند. در جریان این گردهمایی، اوضاع جهان اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد، زائران با وضعیت مناطق مختلف جهان اسلام آشنا می‌شوند، راه‌های مقابله با دشمنان اسلام به بحث گذاشته می‌شود و برقراری وحدت میان طوایف و مذاهب مختلف مسلمانان تسهیل می‌شود.

اگر چه بسیاری از علما و مفسران مسلمان؛ اعم از متقدمین و متأخرین، به ماهیت فراگیر حج و ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی آن در کنار ابعاد فردی و عبادی‌اش پی برده و بدان اشاراتی داشته‌اند،^۴ اما کسی که به این ابعاد عینیت بخشیده و آن را در صحنه عملی حج پیاده کرد، حضرت امام علیه السلام بود. ایشان در پیام‌هایی که هر ساله در موسم حج خطاب به حجاج ایرانی و غیر ایرانی صادر می‌کردند، آنان را به شناخت تمامی ابعاد حج و عمل به آن‌ها فرامی‌خواندند و از اصطلاح «حج ابراهیمی» برای بیان این منظور استفاده می‌کردند و خصوصاً بر موضوع «برائت از مشرکان» در موسم حج تأکید بسیار داشتند. خوشبختانه این سنت حسنه امام علیه السلام توسط مقام معظم رهبری استمرار یافته است.

حساسیت‌های حکومت عربستان و به ویژه علمای وهابی آل شیخ (علمای نسل محمدبن عبدالوهاب که رهبری مذهبی جامعه وهابی را در اختیار دارند)، نسبت به ابعاد سیاسی و اجتماعی حج و نیز رقابت‌های سیاسی حکومت عربستان

با ایران در منطقه و جهان اسلام، سبب شده است تا معرفی و تبیین ابعاد حج برای سایر مسلمانان و زائران و به ویژه برگزاری فراگیرتر مراسم برائت با دشواری‌هایی مواجه شود. اگر چه بخشی از این حساسیت‌های مذهبی و رقابت‌های سیاسی غیر قابل رفع به نظر می‌رسد، اما به هر حال آن بخش که با استدلالات علمی و رایزنی‌های سیاسی قابل حل بوده و یا کم‌رنگ‌تر می‌شود، باید مورد لحاظ قرار گیرد.

اگر کنفرانسی همانند کنفرانس مکه بتواند مقدمه‌ای برای وصول به چنین اهداف بلند و تحقق چنین «منافع» فراگیری برای مسلمانان و آغازی برای گفت‌وگوهای علمی میان اندیشمندان مسلمان و رهبران مذهبی جوامع مختلف اسلامی باشد، مایه بسی امیدواری خواهد بود. صد البته لازمه تحقق چنین هدفی استمرار چنین همایش‌هایی است.

۴ - هماهنگی ایران و عربستان و گامی به سوی وحدت اسلامی

مسأله وحدت اسلامی، به عنوان یک ضرورت، فقط مربوط به عصر حاضر نبوده و از صدر اسلام مطرح و از اهمیت برخوردار بوده است. ولی به نظر می‌رسد با توجه به تحولات پیچیده جهان امروز و اختلافات اسف‌انگیز سیاسی و فکری میان امت‌ها و کشورهای اسلامی، پرداختن به موقعیت جهان اسلام و به طریق اولی پرداختن به راه‌های اتحاد مسلمانان، بیش از پیش اولویت یافته است.

بسیاری از کشورها در مناطق مختلف جهان به دنبال حل مشکلات و ایجاد ائتلاف و همکاری منطقه‌ای می‌باشند و هر روزه شاهد تشکیل یا گسترش و تعمیق همکاری‌های چند جانبه و منطقه‌ای می‌باشیم که اکثر آن‌ها اهداف چند وجهی دنبال می‌کنند. اکثر این اتحادیه‌ها علاوه بر تأکید بر گسترش همکاری میان کشورهای عضو، تلاش می‌کنند با یک صدای با قدرت با دیگران تعامل نمایند.

پس از فروپاشی بلوک شرق، شاهد برخورد اسلام و غرب در برخی جنبه‌ها بوده‌ایم و غرب از همه توان و ابزارهای خود مانند ناتو، G7 و اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای دستیابی به اهداف خود بهره برده است. در چنین شرایطی، بیش از پیش ضرورت اتحاد اسلامی احساس می‌شود؛ زیرا کشورهای اسلامی به صورت منفرد و مجزا نخواهند توانست به اهداف خود برسند و از حقوق خود دفاع نمایند.

فقدان وحدت در میان امت اسلامی، ثمره‌ای جز عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی، علی‌رغم برخورداری از مزیت‌های جغرافیایی، جمعیتی و امکانات عظیم، به همراه نداشته است. اختلافات میان مسلمانان حاصلی جز کینه و دشمنی باقی نمی‌گذارد. با وجود تفرقه، مسلمانان به جای پرداختن به مسائل اساسی خود؛ از قبیل بسط اندیشه‌های بلند اسلام، حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی، تلاش برای حرکت به سوی توسعه و رشد

اقتصادی و رفاه امت مسلمان و موضوعات مفید دیگر، به تعصبات غیرلازم و غیر مفید کشانیده شده و انرژی و توانایی خود را در مقابل یکدیگر مصروف می‌دارند.

امت اسلامی بیش از هزار سال است که اختلافات را تجربه کرده و هیچ سودی از این تجربه حاصل نشده است. بنابراین، دعوت اسلام امروز این است که این بار وحدت اسلامی را حول موضوعات کلی و مشترک تجربه کنیم و ثمرات آن را بجوشیم.

هر مسلمانی باید از خود پرسد: آیا به «اسلام» تعهد و التزام دارد یا به اختلافاتی که باعث جدایی مذاهب اسلامی از یکدیگر می‌شود؟ مسأله وحدت در دنیای امروز با سربلندی و عظمت اسلام مرتبط است و می‌توان گفت که در تقسیم‌بندی علل، در دسته «علل مبقیه» یعنی از عوامل پایداری، استمرار و بقای اسلام قرار می‌گیرد.

تردیدی نیست که حل و فصل مسائل و اختلافات اعتقادی و فرهنگی، بسیار بیش از اختلافات سیاسی نیازمند عناصری اساسی از قبیل «روحیه علمی»، «سعه صدر»، «انصاف و بی‌طرفی» و «بینش و آگاهی نسبت به طرف مقابل» است و هرگونه پیش‌داوری ذهنی مبنی بر بطلان عقیده مقابل به معنای قضاوت زودرس بوده و در نتیجه هر حاصلی از آن به بار آید، یقیناً چیزی به نام وحدت نخواهد بود.

کسی منکر این مسأله نیست که در هر دو جامعه تشیع و اهل سنت، افرادی هستند که

به دلایل مختلف سخنانی را بر زبان رانده یا مکتوب می‌کنند که حاصلی جز افزایش تفرقه به همراه ندارد.

اما از علما و دانایان دلسوز هر دو طرف انتظار می‌رود که ضمن پیشگیری از تداوم و تکرار این تفرقه افکنی‌ها، از دامن زدن به اختلافات پرهیز نموده و بدین ترتیب اجازه ندهند خواسته تاریخی دشمنان اسلام جامه عمل بپوشد. آن وحدتی که مسلمانان امروز بدان نیازمندند، نه وحدت در فروع فقهی است و نه وحدت در تبیین عقلانی جزئیات اصول معتقدات، بلکه وحدتی همه‌جانبه برای تقویت جهان اسلام و خنثی‌سازی توطئه‌ها می‌باشد؛ یعنی همان وحدتی که قرآن کریم از آن به دیوار آهنین تعبیر می‌فرماید تا در راه خدا پیکار کنند.^۵ این پیکار نه تنها در میدان کارزار، بلکه در تمامی صحنه‌های دانش و همکاری‌های علمی و مبادلات اقتصادی و غیر آن باید تحقق یابد.

اگر چه کل مسلمانان در این زمینه مسؤول هستند، اما بیشترین وظیفه هدایت امت اسلامی به سمت وحدت و دوری از تفرقه، بر عهده دانشمندان و علمای اسلام است و در این زمینه وظیفه آنان از همه سنگین‌تر است. دعوت به وحدت و مبارزه با تفرقه، از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر است و خداوند برای امر به معروف و نهی از منکر از علما پیمان گرفته است.

هنگامی که این مباحث از سطح واقعی خود

- یعنی مباحثات میان علما و خیرخواهان دو طرف - تنزل نموده و در میان عوام که معمولاً خارج از حیطه آگاهی‌های علمی و وسعت نظر در تحمل سخنان مخالف هستند مطرح شود، از سطح واقعی خود تنزل می‌نماید.

یکی از وظایف علمای اسلام از هر دو طایفه شیعی و سنی در این برهه حساس از تاریخ این است که از نزدیک یکدیگر را بشناسند و ارتباطات کلامی و مکاتباتی مستمر و دوستانه علمی میان آنان برقرار شود. الگوی مکاتباتی علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین با شیخ الأزهر می‌تواند بسیار مفید باشد.

زمانی که علمای شیعه و سنی با یکدیگر مباحثات علمی و مستدل و به دور از تعصبات غیر لازم داشته باشند، به زودی ثمرات آن را نیز در جامعه و امت اسلامی شاهد خواهیم بود. این امر حتی بر سیاستمداران کشورهای اسلامی نیز تأثیر گذار خواهد بود.

۵- تعامل ایران و عربستان برای ثبات و امنیت در منطقه

پس از یک دوره روابط نسبتاً مطلوب بین ایران و عربستان، شرایط منطقه و تفاوت نوع نگاه طرفین درباره موضوعات مختلف منطقه، فضای روابط دو کشور را بسیار حساس و پیچیده کرده است. اگر چه عربستان از تشدید بحران در منطقه و ایجاد یک بحران جدید در محیط امنیتی خود استقبال نمی‌کند، اما از تضعیف نقش و نفوذ ایران در خاورمیانه خشنود خواهد شد.

ملک عبدالله در مقایسه با سلف خود دارای تجربه، عقلانیت و هوشمندی سیاسی است، اما خود او نیز بین شاهزادگان خانواده سلطنتی، روحانیون سلفی و خواست‌های ایالات متحده برای مقاومت در برابر آنچه «بلند پروازی و توسعه طلبی ایران» توصیف می‌شود، محصور می‌باشد. در چنین شرایطی که غلیان سیاسی عربستان طبیعی به نظر می‌رسد و روند تحولات به طور طبیعی نمی‌تواند کاملاً همسو با خواست‌های ریاض به پیش رود، تقابل و مواجهه کامل به خصوص در عرصه رسانه‌ای نمی‌تواند متضمن منافع ملی جمهوری اسلامی باشد.

آنچه که ایران در تعقیب اهداف سیاست‌های منطقه‌ای و اتخاذ استراتژی‌ها در محیط پیرامونی خود باید مورد توجه قرار دهد، نه تنها منافع ملی و امنیتی، بلکه در کی واقع‌بینانه از منافع ملی و امنیتی و نگرانی و حساسیت‌های سایر بازیگران اصلی منطقه‌ای به ویژه عربستان سعودی است. بدین معنی که ایران برای حفظ دستاوردهای خود در منطقه و موقعیت کنونی‌اش نیاز دارد که از ایجاد احساس ناکامی و باخت کامل در حریف جلوگیری نماید؛ چرا که در غیر این صورت بازیگران رقیب، چون عربستان تلاش می‌کنند شرایط و ائتلاف‌های منطقه‌ای را به گونه‌ای تغییر دهند که ممکن است به تضعیف موقعیت و از دست رفتن موقعیت‌ها برای ایران منجر شود.

در سال‌های اخیر، با توجه به شرایط جهانی و تحولات منطقه به دورانی وارد شده‌ایم که

در آن موضوع سیاست خارجی ایران باید میل به استقرار ثبات در منطقه (برحسب آرای مردم) و نه میل به تغییر و دگرگونی باشد. اما در مورد عربستان به عکس، ضروری است که میل به تغییر، موضوع سیاست خارجی عربستان واقع شود و این کشور از تمایل تاریخی خود به محافظه‌کاری فاصله گیرد. دولتمردان این کشور به تدریج به آن سمت می‌روند (و دیپلماسی ایران نیز باید بکوشد آن را تسریع کند) که مصلحت دولت خود را در تغییرات و نه در تداوم و ثبات وضع موجود بجویند.

در این سال‌ها همچنین مسائل و موانع در روابط ایران و عربستان جدی‌تر و قابل درک‌تر شده‌اند، اما الزاماً نمی‌توان گفت که این روابط وخیم‌تر و یا بهتر شده‌اند. در این دوران، بحران سه‌گانه منطقه که یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های تعیین‌کننده آینده سیاسی خاورمیانه هستند؛ یعنی فلسطین، لبنان و عراق، صرفاً التهاب و اهمیت بیشتری یافتند و به دنبال آن سه‌گانه یا مثلث ایران - عربستان - آمریکا نیز از تعیین‌کنندگی بیشتری برخوردار شده‌اند و مجموعاً بر حالت انتظار برای تحقق یک تحول در منطقه افزوده شده‌اند.

با وجود آن که عربستان برای رویارویی با جهش استراتژیک و نفوذ منطقه‌ای ایران دست به تحرکات گوناگون و پذیرفتن انواع هزینه‌ها زده است، ولی بی‌گمان نمی‌خواهد چالش و تنش در روابطش با ایران افزایش یابد. این دولت از جهت گسترش دامنه بحران‌ها در خاورمیانه

عربستان سعودی و اهل تسنن تغییر یابد، آن گاه فعالیت‌های ضدّ شیعی و ضدّ ایرانی خود را در تمامی صحنه‌ها با شدت بیشتری ادامه دهد.

جمهوری اسلامی مناسب است نگاهی عمیق، استراتژیک و دراز مدت نسبت به تحولات منطقه و روابط با عربستان سعودی داشته باشد. قدر مسلم آن که ایران نمی‌تواند از حقوق خود چشم‌پوشی کند، اما می‌تواند در ضمن حفظ منافع کشور به گونه‌ای عمل کند که کشور به طور همزمان در چند جبهه سیاسی درگیر نشود. با توجه به شرایط منطقه، درگیری و مواجهه کامل با عربستان می‌تواند مانعی جدی بر سر راه منافع ملی ایران به وجود آورد.

در آینده ممکن است باز هم بر نفوذ و امکانات منطقه‌ای ایران افزوده شود؛ اما نکته مهم تثبیت نفوذ است که ایران باید برای آن برنامه‌ریزی و طراحی داشته باشد و در این راه همکاری با کشورهای مهم منطقه ضروری است. افزایش نفوذ ایران حالت تدریجی دارد و باید با ثبات و امنیت در منطقه همراه گردد. لازم است برای بارور شدن زمینه‌های کهن فرهنگی و روانی که ملت ایران در دوران قبل از تاریخ مدرن خود از آن برخوردار بود؛ یعنی نفوذ بدون عاملیت نفوذ، گسترش فرهنگی و نیز اقتصادی، بدون گسترش سیاسی گام‌های لازم برداشته شود. انواع تحرکات فرهنگی و اقتصادی و علمی و بدون لحاظ نمودن برخی از حساسیت‌های تنش‌زا می‌تواند موجب کاهش و تضعیف ذهنیت‌های منفی در همسایگان

و در غلطیدن تمام منطقه به بی‌ثباتی بسیار نگران است. این حقیقتی بسیار اساسی است و به مثابه عامل توازن‌بخش در همه سیاست‌های تعارضی عربستان از جمله در برابر ایران عمل می‌کند. گرایش به ثبات و وحشت از تغییرات اساسی در منطقه، اصل اساسی دیپلماسی ریاض است و همین گرایش اصولی سبب شده است راه‌های بهبود روابط با ایران علاوه بر آن که هیچ‌گاه کاملاً بسته نشود، ظرفیت‌های رو به رشدی برای گسترش روابط نیز خلق کند.

عربستان به کاهش سهم، جایگاه و نقش آفرینی خود در عراق، لبنان، اراضی اشغالی و کشورهای همسایه خود حساس می‌باشد و رایزنی‌ها و واکنش‌های اخیر سعودی‌ها نیز تلاش برای آرایش صحنه بازی به گونه‌ای می‌باشد که مطلوب آنهاست. در چنین شرایطی، درایت، هوشمندی و عدم مواجهه و مقابله کامل با ریاض از سوی ایران می‌تواند گزینه‌ای مطلوب باشد.

مناسب است جمهوری اسلامی ایران تحرکات اخیر عربستان (به خصوص تلاش برای احیای طرح صلح عربی) را به دقت مد نظر قرار دهد. اگر ایران موفق به القای این نکته به پادشاهی سعودی شود که جمهوری اسلامی نقش و سهم متناسب و معقول عربستان را در موضوعات منطقه لحاظ می‌کند و بدان واقف است، می‌تواند از تنش بیشتر در روابط دوجانبه جلوگیری کند. به نظر می‌رسد اگر عربستان احساس کند که تحولات سال‌های اخیر منطقه باعث شده شرایط به نفع جمهوری اسلامی ایران و شیعیان و به ضرر

شود. باید پذیرفت که هر چه آرامش در فضای پیرامونی ایران بیشتر شود، نفوذ (ماهیتاً تدریجی) ایران نیز بیشتر می‌شود و در این راه، ایران باید بر اساس شرایط در منطقه ابتکارهای جدیدی طرح کند و وضعیت جدید را مدیریت نماید.

نتیجه‌گیری:

عربستان سعودی به لحاظ موقعیت خاص خود همواره نقشی مهم در تحولات منطقه‌ای و جهان اسلام داشته است. اهمیت عربستان سعودی تنها محدود به تأثیرگذاری در بازارهای انرژی جهان نیست و این کشور بنا به دلایل تاریخی، جغرافیایی و سوق‌الجیشی همواره در روند تحولات منطقه خاورمیانه نقش ایفا کرده است. در سال‌های اخیر با کاهش نقش مصر در تحولات کشورهای عربی بر نقش عربستان افزوده شده است. طی دهه‌های اخیر، ریاض هیچ‌گاه در سیاست خارجی خود تا این اندازه با متغیرهای منطقه‌ای جدید مواجه نشده بود. سیاست خارجی عربستان همواره مبتکرانه و فعال بوده است، اما شرایط کنونی منطقه، موجب شده است که سیاست خارجی عربستان سعودی با مقتضیات تازه‌ای مواجه شود.

بازگشت مجدد روابط ایران و عربستان به صحنه رویارویی و جدال سیاسی و دیپلماتیک نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی در چنین شرایطی باشد. ایران و عربستان در پایان سومین دهه از مناسبات خود پس از انقلاب، بار دیگر با مقتضیات و شرایط تازه‌ای مواجه شده‌اند.

در این شرایط، افزایش نگرانی‌های سیاسی عربستان امری طبیعی به نظر می‌رسد. با توجه به ملاحظات فوق‌هوشمندی، درایت، تدبیر بیشتر و عدم مقابله و مواجهه آشکار، به خصوص در عرصه رسانه‌ای، با عربستان، منافع ملی ایران را به شکلی مطلوب‌تر تأمین خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران باید از هرگونه اقدامی که به ارائه تصویری نامطلوب از ایران در نزد سعودی‌ها کمک کند، اجتناب ورزد و برای رفع ابهام‌های موجود (که به خصوص پس از تحولات سیاسی سال گذشته ایران در مناسبات طرفین ایجاد شده است) بکوشد. در صورتی که ایران موفق به القای این نکته به سعودی‌ها شود که تهران نقش، جایگاه و سهم متناسب و معقول عربستان را در معادلات منطقه و به ویژه صحنه عراق و ترتیبات امنیتی خلیج فارس مدنظر گرفته و آن را لحاظ می‌کند، اطمینان‌خاطری را که عربستان از جانب ایران نیاز دارد، به دست خواهد آورد.

از جمله مواردی که در نزدیکی بیشتر روابط ایران و عربستان سعودی می‌توان مورد توجه قرار داد، اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر برخی از فعالیت‌ها، انتشارات و تبلیغات مذهبی آشکارا ضد سنی می‌باشد. این کنترل با توجه به قدرت نهادین وهابیت در عربستان و واکنش‌های ضد شیعی و ضد ایرانی آن اهمیت فراوانی دارد. البته این اقدام و تفاهم باید دو طرفه باشد و عربستان نیز فعالیت‌های ضد شیعی را کنترل نماید. مورد دیگر، معطوف کردن بخشی از

نقاط اشتراک و دوری از نقاط افتراق بین دو کشور می‌توان نتایج نزدیکی دیدگاه‌های دو کشور را به طور ملموس مشاهده نمود. به طور خلاصه، می‌توان به بهره‌گیری مردم دو کشور از نزدیک‌تر شدن روابط ایران و عربستان سعودی، تسهیل شرایط حج، احساس امنیت و آرامش در بین مردم و رهبران کشورهای منطقه، برقراری وضعیت با ثبات در خلیج فارس و بسیاری از موضوعات دیگر که مربوط به وحدت اسلامی می‌شود، به عنوان نتایج بهبود روابط ایران و عربستان اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Dilip Hiro, "Iran – Sudi Arabian Embrace: A New Beginning"? www.yale.global. (9 March, 2007).
2. www.IISS.org
3. www.mfa.gov 3. SA., Kingdom Foreign Policy, Ministry of Foreign Kingdom of Saudi Arabia.
۴. به عنوان مثال، از میان متقدمین محمدبن جریر طبری در تفسیر معروف خود (تفسیر طبری) چاپ بیروت، ج ۷۱، ص ۸۰۱ و از میان متأخرین کسانی چون شیخ شلتوت (شیخ الأزهر) در کتاب «الشریعه والعقیده» ص ۵۱ و نیز دکتر قرضای در کتاب «الدین و الحج علی المذاهب الأربعة» ص ۱۵
۵. صف: ۴ ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بَنِيَّانَ مَرْصُوعًا﴾؛ «خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند. گویی بنایی آهنین‌اند.»

رقابت‌های منطقه‌ای به عرصه‌های غیرحساسیت برانگیز؛ مانند مسائل اقتصادی به جای تمرکز صرف بر مسائل سیاسی و امنیتی است. از نکات دیگر می‌توان به تلاش برای نزدیکی دیدگاه‌ها در خصوص مسئله فلسطین و دفاع از حقوق مردم فلسطین؛ توجه به راه‌حل‌های میانه و مشترک در خصوص ترتیبات امنیتی خلیج فارس؛ از جمله امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت منطقه‌ای؛ تبدیل عراق پس از صدام به عاملی برای ثبات منطقه‌ای، و ارتقای همکاری‌های ایرانی - عربی در سطح منطقه، اشاره کرد.

لازم به ذکر است که نشانه‌های گرایش جدید، در سفر آقای هاشمی به عربستان مشهود بود؛ زیرا طرف عربستانی به تشکیل کمیته‌هایی فراتر از ساختارهای رسمی موجود (یعنی تشکیل دو کمیته؛ یکی کمیته علمایی متشکل از روحانیون و روشنفکران و کمیته سیاسی متشکل از سیاستمداران مورد وثوق دو طرف) علاقه نشان داد. این امر از تمایل عربستان برای ایجاد تغییر در وضعیت موجود بین دو کشور حکایت می‌کند. امروز از این اصل در سیاست خاورمیانه‌ای نباید غفلت کرد که هر نوع اقبال جدی دولت‌ها به ایران، به معنای توجه به استقلال خواهد بود. طبیعی است که بی‌پاسخ گذاشتن این تفاهم با عربستان از سوی ایران، ممکن است موجب سوء برداشت طرف عربستانی و از بین رفتن فرصت ایجاد شده برای بهبود و ارتقای روابط دو کشور و همکاری‌های منطقه‌ای شود.

در صورت تلطیف فضای موجود و تقویت